



بخشی از تقریرات درس حقوق مدنی ۸

دکتر محمدحسین شهبازی

مبحث:

ارث

www.dadafarin.com

۶۶۹۱۶۴۵۰

در این بخش از درس ابتدا موجبات ارث، سپس کلیاتی در خصوص ارث و نهایتاً نحوه و میزان ارث بردن هر یک از وراثت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

سعی بر این است که حالات مختلفی که برای وراثت متصور است مورد بررسی قرار گیرد.

موجبات ارث

به تصریح ماده ۸۶۱ ق.م "موجبات ارث دو امر است: نسب و سبب." به عبارتی دیگر موجب ارث قرابت است.^۱

واژه "دو" در این ماده عدد بوده و به علت وجود قرینه دارای مفهوم می باشد^۲

بنابر این شایسته است مفهوم قرابت و سیستم هایی که قرابت در آن ها مطرح شده است بررسی شود. با مذاقه در مواد قانون مدنی ملاحظه می شود قرابت هم در مفهوم اروپایی وارد سیستم حقوقی ما شده و هم در مفهوم فقهی. بدین جهت ابتدا قرابت در این دو سیستم را مطرح کرده و سپس به مقایسه آنها می پردازیم. در هر دو سیستم قرابت یا نسبی است یا نسبی.

الف- قرابت در سیستم اروپایی

۱- قرابت نسبی

در این سیستم دو اصطلاح داریم: خط و درجه

خط خود بر دو گونه است: مستقیم (عمودی) و اطراف. خط مستقیم نیز دو قسم است: بی واسطه و با واسطه.

در قرابت خط مستقیم یا اطراف باید درجه را تعیین نمود.

۱- قرابت نسبی در خط مستقیم:

رابطه بین دو شخص است که یکی از نسل دیگری است، یا بطور مستقیم (بی واسطه) یا به طور غیر مستقیم (با واسطه)

قرابت در خط مستقیم را قرابت در خط عمودی هم می گویند.

مثل: پدر و فرزند - مادر و فرزند - پسر بزرگ و نوه - شخص با نتیجه اش
برای تعیین درجه در قرابت نسبی خط مستقیم باید تعداد نسل ها را شمرد.

۱- در فرزند خواندگی به سبب فقد رابطه نسبی یا سببی بحث ارث موضوعیت ندارد.

۲- قرینه در این ماده عبارت است از نبود مورد دیگر در قانون که موجب توارث باشد.

قرابت پدر با فرزند: خط مستقیم درجه ۱

قرابت پدر بزرگ با نوه: خط مستقیم درجه ۲

II- قرابت نسبی در خط اطراف:

رابطه دو شخص است که هر دو از نسل شخص ثالثی می باشند، یا مستقیم یا غیر مستقیم.

شخص ثالث را جامع نسب گویند، زیرا نسب خطوط اطراف در او جمع شده است.

مثال:

قرابت دو برادر که هر دو از نسل پدر و مادرشان هستند.

قرابت عمو و برادرزاده، هر دو از نسل پدر عمو یا پدر بزرگ برادرزاده هستند.

قرابت دو پسر عمو یا پسر عمو و دختر عمو، که هر دو از نسل جدشان هستند.

برای تعیین درجه در قرابت خط اطراف، یکی از دو شخص را مبدا قرار می دهیم، از او به جامع نسب

بالا رفته و تعداد نسل ها می شماریم سپس از جامع نسب به سوی دیگری پایین آمده تعداد نسل ها

می شماریم، جمع این دو عدد، درجه قرابت در خط اطراف خواهد بود.

مثال:

دو برادر: هر دو از نسل پدر هستند پس پدر جامع نسب می باشد. از یکی از برادرها تا جامع نسب ۱ نسل

و از جامع نسب تا برادر دیگر نیز ۱ نسل می باشد، پس درجه آنها $1+1=2$ می باشد.

عمو و برادرزاده: جامع نسب پدر عمو یا پدر بزرگ برادرزاده می باشد. عمو را مبدا قرار می دهیم، از

عمو تا جامع نسب ۱ نسل و از جامع نسب تا برادرزاده ۲ نسل می باشد، پس درجه $1+2=3$ می باشد.

دو پسر عمو: جامع نسب جدشان می باشد. یکی از دو پسر عمو را مبدا قرار می دهیم، از مبدا تا جامع

نسب ۲ نسل و از جامع نسب تا پسر عمو دیگر نیز ۲ نسل می باشد، پس درجه $2+2=4$ است.

باید توجه کرد که در قرابت نسبی خط اطراف درجه ۱ وجود ندارد.

۲- قرابت سببی

هر کس در هر خط (مستقیم یا اطراف) و هر درجه با دیگری قرابت نسبی داشته باشد در همان خط و

درجه با همسر او قرابت سببی دارد.

مثال: پدر و زن پسر: پدر و پسر قرابت نسبی خط مستقیم درجه ۱ دارند، پس پدر و زن پسر قرابت سببی

خط مستقیم درجه ۱ دارند.

خواهر و شوهر خواهر: دو خواهر قرابت نسبی خط اطراف درجه ۲ دارند، پس یکی از خواهرها با

شوهر خواهرش قرابت سببی خط اطراف درجه ۲ دارند.

ب- قرابت در سیستم فقهی

۱- قرابت نسبی

در این سیستم به جای خط و درجه، طبقه و درجه داریم. در این سیستم به طبقه، مرتبه هم می گویند. بر خلاف سیستم اروپایی که فرقی نمی کند کدام یک از دو فرد را مبدا بگیریم، در این سیستم تفاوت دارد و همیشه باید یک نفر را مرکز قرار داد و اقربا را نسبت به او سنجید. مثلاً در ارث متوفی و در دادرسی در بحث رد دادرس، قاضی مرکز می باشد.

در این سیستم اقربای نسبی شخص بر حسب دوری یا نزدیکی با وی در سه طبقه خلاصه می شوند؛
طبقه اول: پدر، مادر، و اولاد به پایین.

طبقه دوم: پدر بزرگ و مادر بزرگ به بالا و برادر و خواهر به پایین^۱

طبقه سوم: اعمام (عمو و عمه) و اخوال (دایی و خاله) به پایین

در هر طبقه باید درجه را نیز مشخص کرد.

از آنجاکه زن و شوهر اقربای نسبی هستند در طبقات که ویژه اقربای نسبی است جای ندارند.

درجه در سیستم فقهی:

درجات طبقه اول: پدر و مادر درجه ۱ - اولاد درجه ۱ - اولاد اولاد درجه ۲ - اولاد اولاد اولاد درجه ۳ و....

درجات طبقه دوم: پدر بزرگ و مادر بزرگ درجه ۱ - پدر و مادر پدر بزرگ درجه ۲ - پدر بزرگ پدر بزرگ درجه ۳ و....

برادر و خواهر درجه ۱ - اولاد برادر و خواهر درجه ۲ - اولاد اولاد برادر و خواهر درجه ۳ و....

درجات طبقه سوم: عمو، عمه، دایی و خاله درجه ۱ - اولاد آنها درجه ۲ - نوه آنها درجه ۳ و....

۱- گرچه در ماده ۸۶۲ ق.م به جای "اجداد به بالا تنها واژه "اجداد" آمده است، اما این مسئله با علاقه جزء و کل قابل توجیه است.

۲- قرابت سببی

هرکس در هر طبقه و هر درجه با دیگری قرابت نسبی دارد در همان طبقه و درجه با همسر او قرابت سببی دارد.

مقایسه سیستم اروپایی و فقهی

سیستم اروپایی به لحاظ تنوری از سیستم فقهی منظم تر است. چراکه در سیستم اروپایی، برای تعیین قرابت که رابطه پدر شخص است، هر کدام از آن دو را مبدا قرار دهیم نتیجه یکی خواهد بود ولی در سیستم فقهی نسبت به این که کدام فرد مرکز است نتیجه متفاوت خواهد بود.

مثال ۱:

عمو و برادرزاده:

الف- سیستم اروپایی: جامع نسب پدر عمو می باشد.

۱- عمو مبدا فرض شود: از مبدا تا جامع نسب ۱ نسل و از جامع نسب تا برادرزاده ۲ نسل می باشد، پس درجه $1+2=3$ است. قرابت آنها خط اطراف درجه ۳ می باشد.

۲- برادرزاده مبدا فرض شود: از مبدا تا جامع نسب ۲ نسل و از جامع نسب تا عمو ۱ نسل است پس درجه $2+1=3$ می باشد. باز هم قرابت آنها خط اطراف درجه ۳ است.

ب- سیستم فقهی:

۱- عمو مرکز فرض شود: قرابت برادرزاده نسبت به او درجه ۲ از طبقه دوم است.

۲- برادرزاده مرکز فرض شود: قرابت عمو نسبت به او درجه ۱ از طبقه سوم است.

مثال ۲:

پدر بزرگ و نوه:

الف- سیستم اروپایی:

۱- پدر بزرگ مبدا فرض شود: قرابت خط مستقیم درجه ۲ است.

۲- نوه مبدا فرض شود: باز هم قرابت خط مستقیم درجه ۲ است.

ب- سیستم فقهی:

۱- پدر بزرگ مرکز فرض شود: قرابت نوه با او درجه ۲ از طبقه اول است.

۲- نوه مرکز فرض شود: قرابت پدر بزرگ با او درجه ۱ از طبقه دوم است.

این بی نظمی فقط جنبه نظری دارد؛ چراکه در عمل همیشه یک نفر مرکز است.

حال باید دید در قانون مدنی کدام یک از این دو سیستم پذیرفته شده است.

در مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۲ ق.م که قرابت نسبی مورد بحث بوده، قانونگذار به سیستم فقهی نظر داشته است. ولی در ماده ۱۰۳۳ ق.م که قرابت سببی مطرح شده سیستم اروپایی پذیرفته شده است. به ویژه در مثال اخیر ماده اگر سیستم فقهی مطرح می بود باید قرابت برادر و خواهر شوهر یک زن را درجه اول از طبقه دوم معرفی می کرد نه درجه دوم. همچنین در ماده ۱۱۹۶ ق.م نیز قرابت با سیستم اروپایی مطرح شده است.

لذا در هر باب باید تشخیص داد، قانونگذار از کدام سیستم پیروی کرده است. در باب ارث قانونگذار از سیستم فقهی پیروی کرده است. و در بقیه موارد در مقام شک اصل بر فقهی بودن سیستم است. لازم به ذکر است قرابت رضاعی تنها در بحث نکاح موضوعیت دارد.

برای ورود به بحث ارث باید دسته با گروه را در هر طبقه مشخص کرد. در هر طبقه دسته ها در کنار هم ارث می برند و هیچ دسته مانع دسته دیگر نیست، اما در هر دسته درجه نزدیکتر مانع درجه دورتر است.

طبقه اول: این طبقه شامل دو دسته است: یک دسته پدر و مادر و دسته دیگر اولاد به پایین. در دسته اخیر درجه از ۱ شروع شده و تا n ادامه دارد.

طبقه دوم: شامل دو دسته است. یک دسته اجداد به بالا و دسته دیگر برادر و خواهر به پایین. در هر دو دسته، درجه از ۱ شروع شده و تا n ادامه دارد.

طبقه سوم: در این طبقه فقط یک دسته وجود دارد که شامل عمو، عمه، دایی و خاله به پایین می باشد. در این دسته، درجه از ۱ شروع شده و تا n ادامه دارد.

در خصوص ارث دو قاعده اساسی وجود دارد:

قاعده اول: هر طبقه مانع ارث بردن طبقه بعد است. اگر کسی از طبقه n وجود داشته باشد، کسی از طبقه $n+1$ ارث نمی برد (ماده ۸۶۳ ق.م). این قاعده هیچ استثنائی ندارد.

قاعده دوم: در هر دسته درجه نزدیک مانع درجه دور است؛ لذا درجه نزدیک یک دسته مانع درجه دور دسته دیگر نیست. این قاعده یک استثنا دارد (ماده ۹۳۶ ق.م).

مثال هایی برای روشن شدن قاعده دوم:

۱- متوفی یک فرزند و چند نوه دارد. فرزند درجه ۱ و نوه درجه ۲ از همان دسته است. لذا طبق قاعده دوم فرزند مانع نوه است، یعنی نوه ها چیزی از ماترک نمی برند.

۲- متوفی دارای پدر و مادر و دو نتیجه می باشد. وراثت در دو دسته مختلف جای دارند بنابراین با اینکه پدر و مادر درجه ۱ هستند، مانع نتیجه ها که درجه ۳ هستند نمی شوند و همه از ماترک سهم می برند.

۳- متوفی خواهر و چند برادرزاده دارد. همه وراث متعلق به یک دسته هستند، بنابراین خواهر که درجه ۱ است مانع برادرزاده‌ها که درجه ۲ هستند می‌باشد و تنها خواهر از ماترک می‌برد و چیزی به برادرزاده‌ها نمی‌رسد.

۴- متوفی یک خاله و یک پسر عمو دارد. وراث از طبقه سوم هستند و خاله که درجه ۱ است پسر عمو را که درجه ۲ است از ارث محروم می‌کند. زیرا هر دو در یک دسته هستند.

ارث بری بین اقربای سببی:

بین سه دسته از افراد قرابت سببی وجود دارد:

۱- بین زن و شوهر

۲- بین زن یا اقربای نسبی شوهر

۳- بین شوهر با اقربای نسبی زن

اقربای نسبی زن با اقربای نسبی شوهر هیچگونه قرابتی ندارند.

قرابت رضاعی هم فقط در موانع نکاح موضوعیت دارد. (ماده ۱۰۴۶ ق.م.)

ارث بری فقط بین اقربای سببی دسته اول (زوج و زوجه) و فقط در نکاح دائم وجود دارد. یعنی بین زن یا شوهر با اقربای نسبی دیگری توارث وجود ندارد.

در نکاح موقت بین زوج و زوجه توارث وجود ندارد و اگر توارث شرط شود شرط باطل است ولی مبطل نکاح نیست. چراکه قوانین ارث امره هستند و نمی‌توان کسی را به وراثت افزود یا از شمار آنان کاست و قید دائمی در ماده ۹۴۰ ق.م قید احترازی است و مفهوم دارد.

گرچه از عبارت "از جمله اشخاصی" که در صدر ماده ۸۶۴ ق.م آمده چنین استنباط می‌شود که اشخاص دیگری هم به موجب سبب از یکدیگر ارث می‌برند؛ اما با مذاقه در قانون مدنی چنین موردی یافت نمی‌شود.

منظور قانونگذار در مجمل بیان کردن ماده عدم مخالفت صریح با فقه و حقوق اسلامی است، چه در حقوق اسلام موجبات سببی ارث دو دسته اند: زوجیت و ولا.

ولا رابطه بین دو شخص است که به جهتی غیر از خویشاوندی موجب توارث بین آنهاست^۱ ولا به ترتیب طولی دارای سه مرتبه است:

۱- واژه دسته در این جمله با مفهوم دسته در طبقات خلط نشود.

۲- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۳، انتشارات اسلامی، چ ۱۸، ص ۱۸۷

۱- ولا عتق: رابطه ای است بین مولی و بنده که در اثر آزاد نمودن^۱ بدون تکلیف و اکراه و اجبار بنده حاصل می شود و بموجب آن اگر بنده بمیرد و وارث نسبی نداشته باشد، معتق وارث او خواهد بود.

۲- ولا ضمان جریره^۲: رابطه ای قراردادی است بین دو نفر که در اثر آن طرفین تعهد می کنند اگر طرف دیگر مرتکب جنایتی خطنی شد دیگری دیه آن جنایت را بپردازد. این عقد از موجبات ارث است و بموجب آن اگر یکی از طرفین عقد فوت کند و وارث نسبی و ولا عتق نداشته باشد، دیگری وارث او خواهد بود.

۳- ولا امام: اگر کسی بمیرد و وارث نسبی و ولا عتق و ضمان جریره نداشته باشد ماترک به امام و در زمان غیبت نه حاکم (نماینده امام) می رسد.

حال سوالی که پیش می آید این است که اگر شخصی فوت کند و وارثی نداشته باشد آیا حاکم وارث اوست یا اداره کننده اموال است؟

ثمره نزاع آنجا مشخص می شود که متوفی بدون وارث وصیتی زاید بر ثلث کرده باشد. اگر حاکم وارث باشد می تواند وصیت زاید بر ثلث را رد کند ولی اگر اداره کننده اموال باشد وصیت نافذ است و رای و نظر حاکم در خصوص رد زاید بلاثر خواهد بود.

نظر فقها این است که امام یا نماینده او وارث می باشند ولی از ظاهر ماده ۸۶۶ ق.م.ن بر می آید که حاکم وارث نبوده و تنها اداره کننده است.

تعدد اسباب ارث

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این است که اگر شخصی بمیرد و دو وارث او اسباب متعدد ارث جمع باشد دو حالت پیش می آید (ماده ۸۶۵ ق.م.):

الف- جمع موجب سببی و نسبی: وارث به هر دو موجب از ماترک می برد. (مانند دختر عموی متوفی که زوجه او نیز هست).

ب- جمع دو موجب نسبی: این وضع خود دو حالت دارد:

۱- هیچ یک از اسباب مانع دیگری نیست: در این حالت شخص بموجب هر دو عنوان ارث می برد. مثلاً وارث هم عموی متوفی است هم دایی او.

۱- ماهیت حقوقی این عمل ایقاع است.

۲- ماده ۳۰۷ ق.م.ا.

۲- یکی از موجبات مانع دیگری است: در این حالت فقط بموجب عنوان مانع می برد. مثلاً وارث هم برادر متوفی است و هم پسر عموی او که فقط به عنوان برادر می برد.
پیش از تقسیم ترکه باید به ترتیب هزینه کفن و دفن، دیون با وثیقه، دیون بدون وثیقه و اجرای وصایا از ماترک کسر شود و اگر باقیمانده ایی داشت بین وراثت تقسیم گردد.

شخصیت حقوقی ترکه

سوالی که مطرح می شود این است که آیا دیون متوفی به ترکه تعلق دارد یا به وراثت منتقل می شود به دیگر سخن آیا ترکه دارای شخصیت حقوقی است یا خیر؟

در پاسخ به این سوال دو نظر وجود دارد:

عده ایی از حقوقدانها بر این نظر هستند که ترکه شخصیت حقوقی دارد، چرا که در ماده ۸۶۹ ق.م.ا.م آمده: "حقوق و دیونی که به ترکه تعلق می گیرد..." و نظر به اینکه حقوق و دیون به شخص تعلق می گیرد نه به مال و مال تنها می تواند موضوع حق قرار گیرد نه اینکه صاحب آن باشد لذا باید برای ترکه شخصیت حقوقی قائل شد. بعلاوه حقوقی بر ترکه هست که خاص اشخاص می باشد؛ مثلاً ترکه می تواند خواهان یا خوانده دعوا باشد یا اقامتگاه داشته باشد (در دعوا علیه میت)

عده ایی دیگر بر این نظر هستند که ترکه شخصیت حقوقی ندارد بدین استدلال که شخص دو نوع است طبیعی و حقوقی. شخص طبیعی، طبیعتاً شخص است که به آن شخص حقیقی نیز گویند ولی شخص حقوقی واقعا و حقیقتاً شخص نیست بلکه حقوق به آن شخصیت داده و قانون صراحتاً برای آن شخصیت قائل شده است. اما نه در قانون مدنی و نه در قانون امور حسبی برای ترکه شخصیتی شناسایی نشده است. ثمره نزاع دو نظر در این است که مطابق نظر نخست دیون و مطالبات به ترکه تعلق می گیرد. شخصیت ترکه با فوت متوفی شروع شده و با تصفیه ترکه پایان می پذیرد و باقیمانده قهرآ در اموال وراثت داخل می شود. اما مطابق نظر دوم با فوت متوفی همه دیون و حقوق به وراثت منتقل می شود.

رد و قبول ترکه

در خصوص رد یا قبول ترکه باید متذکر شد که رد و قبول ترکه به مالکیت ورثه ارتباطی ندارد؛ به عبارتی تصور نشود که اگر وراثت ترکه را قبول کنند مالک می شوند و اگر رد کنند مالک نمی شوند.

قبول و رد ترکه فقط در مورد دیون متوفی موثر و متصور است.

قبول ترکه دو جور است: قبول مطلق و قبول مشروط.

در قبول مطلق ورثه باید کلیه دیون متوفی را پرداخت کنند و اگر دیون بیش از ترکه باشد هر کدام به نسبت سهم الارث مازاد را پرداخت خواهند کرد؛ مگر اینکه ثابت کنند ترکه کمتر از دیون بوده یا بدون تقصیر آنها تلف شده است. اما در قبول مشروط، ترکه در حدود صورت تحریر پذیرفته می شود. رد ترکه هم مانع مالکیت وراث نمی باشد چراکه مالکیت آنها قهری است و بعد از تادیه دیون، وراث قهراً مالک باقیمانده می شوند و اگر در این حال باقیمانده را نپذیرفتند با جمع شرایطی می توان آن را اعراض دانست.

در پاسخ به این سوال که مالکیت ورثه از چه زمانی بوجود می آید، باید گفت اگر برای ترکه شخصیت حقوقی قائل شویم، با پایان یافتن امر تصفیه ترکه و انحلال شخصیت حقوقی آن، مالکیت برای وراث ایجاد می شود. اما اگر بگوییم ترکه شخصیت حقوقی ندارد، با فوت مورث، مالکیت به ورثه منتقل می شود اما این مالکیت متزلزل است.

توارث بین هم مرگ ها^۱

به تصریح ماده ۸۷۵ ق.م زنده بودن وارث حین فوت وارث شرط مورث است. حال اگر دو نفر که از یکدیگر ارث می برند، بمیرند چند فرض پیش می آید:

- ۱- اگر تقدم فوت یکی بر دیگری معلوم باشد، آنکه تاریخ فوتش موخر است از دیگری ارث می برد.
 - ۲- اگر تاریخ فوت یکی معلوم و تاریخ فوت دیگری مجهول باشد بنا بر اصل تاخر حادث آنکه تاریخ فوتش مجهول است، موخر فرض شده و از دیگری ارث می برد. (ماده ۸۷۴ ق.م)
 - ۳- اگر اقتران فوت آنها معلوم باشد یعنی محرز شود که هر دو در یک تاریخ فوت کرده اند، هیچ یک از دیگری ارث نمی برد.
 - ۴- اگر تاریخ فوت هر دو مجهول باشد، هیچ یک از دیگری ارث نمی برد زیرا اصل تاخر حادث در هر یک با اصل تاخر حادث در دیگری تعارض کرده و هر دو ساقط می شوند. (ماده ۸۷۳ ق.م)
- مورد ۴ مطابق قاعده می باشد ولی بر آن استثنایی وارد است: اگر مرگ بر اثر عرق یا هتک باشد؛ در فرض ۴ متوفی ها از هم ارث می برند. (ذیل ماده ۸۷۳ ق.م)
- نظر مشهور بر این است که استثنا باید در موضع نص تفسیر شود و نباید آن را با قیاس به موارد مشابه تسری داد و مثلاً تصادف یا حریق را به آن اضافه نمود، گرچه نظر مخالف هم وجود دارد.
- نحوه ارث بری در مورد استثنا در چهار مرحله انجام می شود که مسئله را با یک مثال تشریح می کنیم:
- فرض کنید مردی (پدری) دارای همسر، یک پسر و یک دختر می باشد و پسر او دارای همسر و یک

۱- امامی، سید حسن، پیشین، ص ۲۰۷ به بعد

فرزند می باشد. پدر و پسر همزمان غرق می شوند. برای تقسیم ماترک بدین شرح عمل می کنیم:
مرحله اول- فرض می کنیم پدر زودتر از پسر مرده است. وراثت پدر عبارتند از: زوجه، پسر و دختر که همگی از ماترک می برند.

مرحله دوم- فرض می کنیم پسر زودتر از پدر مرده است. وراثت پسر عبارتند از: پدر، مادر، زوجه و فرزند که همگی از ماترک می برند.

مرحله سوم- هرآنچه در مرحله اول از پدر به پسر رسیده است؛ در مرحله سوم به وراثت پسر، غیر از پدر داده می شود. (به مادر، زوجه و فرزند پسر)

مرحله چهارم- آنچه در مرحله دوم از پسر به پدر رسیده است؛ در مرحله چهارم به وراثت پدر غیر از پسر داده می شود. (به زوجه پدر و دختر)

سوآلی که مطرح است این است که آیا در این موارد وحدت حادثه شرط است یا خیر؟ مسئله محل اختلاف است.

ارث حمل

ماده ۸۷۵ ق.م.دو شرط برای وراثت حمل ذکر کرده است:

شرط اول- انعقاد نطفه حین الموت

شرط دوم- زنده متولد شدن حمل

در مورد شرط اول باید گفت در صورت جهل به زمان انعقاد نطفه، با توجه به اینکه تاریخ فوت از طریق پزشکی قابل تعیین است، بنا بر اصل تأخر حادث، انعقاد نطفه پس از فوت فرض می شود در نتیجه شرط اول موجود نبوده و حمل محروم از ارث خواهد بود، گر چه متناسب به متوفی است. انعقاد نطفه قابل استصحاب نمی باشد چرا که این استصحاب قهقرایی بوده و حجیت ندارد.
در مورد شرط دوم باید گفت:

۱- مطابق ماده ۹۵۷ ق.م. زنده متولد شدن حمل کاشف از آن است که او از زمان انعقاد نطفه اهلیت تمتع داشته است. (شرط متأخر بر وجه کشف)

۲- زنده به دنیا آمدن برای توارث کفایت می کند و قابلیت بقا شرط نیست (مستنبط از قسمت اخیر ماده ۸۷۵ ق.م.)

اگر شک شود که حمل زنده به دنیا آمده یا نه، به عبارتی دیگر آیا شرط وراثت محقق شده یا نه؟ اصل عدم تحقق شرط است، یعنی اصل عدم زنده بدنیا آمدن است.

عده ای در پاسخ گفته اند اگر یقین به زنده بودن حمل داشته باشیم می توان زنده بدنیا آمدن او را استصحاب کرد.

در رد این استدلال باید گفت در استصحاب موضوعی که به سابقه آن یقین داریم و موضوعی که فی الحال به آن شک داریم باید واحد باشد؛ حال آنکه در ما نحن فیه حمل و نوزاد دو موضوع متفاوت می باشند و محل جریان استصحاب نیست.

هرگاه در حین فوت مورث حملی باشد ماده ۸۷۸ ق. م. فروشی را بیان کرده که همه آنها منطقی به نظر نمی رسند.

فرض اول: اگر حمل مانع ارث همه بشود، باید تا بدنیا آمدن او تقسیم ارث به عمل نیاید.
فرض دوم: اگر حمل مانع ارث بردن بعضی از وراثت بشود قانون گفته تقسیم به عمل نمی آید، اما منطقی تر آن است که قدر متیقن سهم وراثت را به آنها بدهیم تا حال حمل معلوم شود. مثل فرضی که متوفی فوت کرده و بازماندگانش عبارتند از: همسر دائمی اش که باردار است، پدر، مادر و چند نوه.

در این صورت هر کدام از ابویین حداقل $\frac{1}{6}$ و زوجه $\frac{1}{8}$ خواهد برد و بهتر است این قدر متیقن به آنها داده شود و مابقی تقسیم نشده بماند.

فرض سوم: اگر حمل مانع هیچ یک از وراثت نباشد: مقصود این نیست که سهم بقیه هیچ تغییری نکند. در این صورت سهم حمل را معادل دو پسر کنار می گذارند و پس از تولد تکلیف سهم او مشخص می شود. مثل فرضی که از متوفی یک زن باردار و یک پسر مانده است.

موانع ارث

در فقه امور متعددی از جمله رقبت از موانع ارث می باشد. اما در قانون مدنی موانع ارث عبارتند از:

- قتل (ماده ۸۸۰ ق.م.)
- کفر (ماده ۸۸۱ مکرر ق.م.)
- لعان (ماده ۸۸۲ ق.م.)
- ولادت از زنا (مستنبط از جمع مواد ۸۶۱، ۸۸۴ و ۱۱۶۷ ق.م.)

پیش از توضیح موارد مذکور طرح یک بحث اصولی مفید به نظر می رسد.

در بحث علت و معلول، علت گاه ساده است، گاه مرکب. علت مرکب دارای سه جزء: مقتضی، شرط و عدم مانع می باشد.

مقتضی یا سبب مهم ترین جزء علت می باشد، اما به تنهایی قادر به ایجاد معلول نیست. شرط باید باشد تا مقتضی اثر کرده، معلول را بوجود آورد. عدم مانع ماهیتاً نوعی شرط است و برخی از آن به شرط منفی یا دمی کنند. پس مانع هم باید مفقود باشد تا مقتضی اثر کند.

بنابر این عبارت ماده ۸۶۱ ق.م که موجب ارث را قرابت معرفی می کند علت تامه نیست بلکه مقتضی است چراکه برای تحقق ارث نیاز به وجود شرایط و فقد موانع دیگر هم هست.

از جمله فوت مورث و حیات وارث.

اگر معلول بوجود نیامده باید ابتدا دید که آیا مقتضی موجود بوده یا خیر. اگر مقتضی موجود باشد آنگاه باید سراغ شرط و مانع رفت اما اگر مقتضی موجود نباشد بحث پیرامون شرط یا مانع عقلایی نیست.

یعنی در صورت فقد مقتضی، بوجود نیامدن معلول را باید به آن نسبت بدهیم نه به عدم وجود شرط یا وجود مانع.

پس از ذکر این مقدمه موانع ارث را جداگانه مطرح می کنیم:

۱- قتل

در بحث قتل، مقتضی که قرابت است و شرط که فوت مورث و حیات وارث است وجود دارد اما قاتل ارث نمی برد چراکه قتل مانع است.

در خصوص مانعیت قتل فقها گفته اند یا وضع این حکم با هدف قاتل (طلب مال یا طمع به مال مورث) مخالفت شده است. اما سوالی که مطرح می شود این است که اگر کسی مورث خود را عمداً بکشد ولی هدفش طلب مال نباشد آیا باز هم از ارث محروم خواهد بود؟ چون حکم به طور مطلق بیان شده باز هم پاسخ مثبت است بنابر این نظر فقها که در بالا آمد حکمت حکم است نه علت آن پس آن را با قیاس نمی توان به موارد مشابه تسری داد، چراکه این قیاس مستطیع العله می باشد و حجیت ندارد. مثلاً آیا این حکم در خصوص موصی له ای که مرتکب قتل عمد موصی شود نیز جاری است؟

در پاسخ به این سوال عده ای گفته اند در ارث تکلیف معلوم است و انگیزه مهم نیست اما در وصیت باید انگیزه ثابت شود؛ اگر قتل برای رسیدن به موصی به باشد موصی له از تملک مال محروم می شود والا از موصی به محروم نمی شود. در مقابل عده ای گفته اند: حکم ارث نبردن قاتل استثناست و باید تفسیر مضیق شود و نمی توان آن را به موارد دیگر تسری داد.

فرضی که مرد زنش را به علت زنا با غیر می کشد، مشمول این حکم می باشد چراکه قانون به طور مطلق گفته هر که مورثش را عمداً بکشد از او ارث نمی برد. گرچه نظر مخالف هم وجود دارد.

در تمام فروض بالا در صورت غیر عمد بودن قتل، قاتل از دیه ارث می برد. در این خصوص هم اتفاق نظر وجود ندارد.

۲- کفر

در خصوص کفر، هم مقتضی و هم شرط وجود دارد اما کافر ارث نمیبرد چراکه کفر مانع است.

برای ورود به بحث انواع مسلمان و کافر را تعریف می کنیم.

در یک تقسیم بندی، مسلمان به دو نوع تقسیم می شود:

• مستقل (حقیقی)

• تبعی (حکمی)

مسلمان مستقل کسی است که بعد از رسیدن به سن بلوغ مسلمان باشد.

مسلمان تبعی کسی است که حین انعقاد نطفه اش یا پیش از رسیدن به بلوغ حداقل یکی از ابوینش مسلمان بوده باشند.

بر همین مبنا کافر هم دو قسم است:

• مستقل (حقیقی)

• تبعی (حکمی)

کافر مستقل کسی است که بعد از بلوغ کافر است.

کافر تبعی کسی است که حین انعقاد نطفه اش یا تا بلوغ او هیچ یک از ابوینش مسلمان نباشند.

کافر به لحاظ سابقه به دو قسم دیگر منقسم می شود:

• کافر اصلی

• کافر مرتد

کافر اصلی، کافر تبعی ای است که بعد از بلوغ هم کافر بوده باشد.

کافر مرتد کافری است که سابقه اسلام داشته و بر دو نوع است:

• مرتد فطری

• مرتد ملی

مرتد فطری کسی است که مسلمان تبعی بوده و پس از بلوغ مسلمان حقیقی شده و سپس از اسلام خارج شده است.

مرتد ملی کافر تبعی ای است که بعد از بلوغ هم کافر حقیقی بوده ، پس از آن اسلام آورده و باز از اسلام خارج شده.

در ماده ۸۸۱ مکرر دو بحث مطرح است:

۱- متوفی مسلمان است، وراثت کافرش از او ارث نمی برند، حتی اگر تمام وراثت کافر باشند. گویی وراثتی ندارد.

اگر مسلمانی بمیرد و در بین وراثت او تنها یک نفر مسلمان باشد، ماترک به او می رسد حتی اگر بلافاصله پس از فوت مورث، وراثتی که کافر هستند مسلمان شوند. اما اگر وراثت مسلمان متوفی، مسلمان واحد نباشد و ورثه کافر متوفی مسلمان پس از فوت او اسلام آورند، اگر ماترک قبل از اسلام آوردن آنها

تقسیم نشده باشد آنها هم از ماترک حصه خود را می برند. اما اگر ماترک قبل از اسلام آوردن وراث کافر تقسیم شده باشد، آنها چیزی از ترکه نمی برند.

۲- متوفی کافر است. در این حالت چند فرض پیش می آید:

فرض اول - اگر در بین وراث متوفی کافر، تنها یک مسلمان باشد تمام ماترک به او می رسد حتی اگر وراث کافر بعد از فوت متوفی اسلام بیاورند.

فرض دوم- اگر وراث مسلمان متوفی کافر متعدد باشند، وراث کافر در صورتی ارث می برند که پیش از تقسیم ترکه اسلام آورند.

فرض سوم- اگر متوفی کافر فقط ورثه کافر داشته باشد دو حالت پیش می آید:

حالت اول- اگر متوفی کافر اصلی باشد ورثه او مطابق مذهب شان ارث می برند.

حالت دوم- اگر متوفی مرند باشد، ماترک به اسلام می رسد.

در مورد ولادت از زنا باید گفت، قانونگذار نباید آن را از موانع ارث بر میشمرد. در واقع در ولادت از زنا مقتضی (نسب) موجود نیست و چنانکه گفتیم وقتی مقتضی موجود نیست عدم وجود معلول (توارث) را باید به آن نسبت دهیم نه به نبود شرط یا وجود مانع.

۳- لعان

لعان از سوی مرد و به دو طریق صورت میگیرد: با نسبت ناروای زنا روی میدهد یا با نفی ولد؛ بدون ارائه دلایل اثبات زنا.

با تفرقی که با لعان حاصل می شود، نکاح منحل شده و مرد و زن دیگر قرابتی با هم ندارند. بنابراین عدم وجود توارث بموجب لعان به علت فقد مقتضی است نه وجود مانع بدین استدلال لعان را نباید از موانع ارث برشمرد.

۴- ولادت از زنا

در ولادت از زنا گرچه طفل به طور طبیعی و خونی (نسبی) وابسته به زانی و زانیه است و از نسب آنها می باشد، اما باید متذکر شد نسبی مورد حمایت قانونگذار است که آن را شناسایی کرده و آثار حقوقی بر آن بار کرده باشد.

تنها اثر بار شده بر نسب ناشی از زنا در بحث موانع نکاح مطرح است (ماده ۱۰۴۵ ق.م).

نحوه ارث بردن

وراث به سه شکل ارث می برند (ماده ۸۹۳ ق.م):

- به فرض
- به قرابت
- گاه به فرض، گاه به قرابت

فرض عبارت است از سهم معین در قانون.

فرض ها عبارتند از : $\frac{1}{2}$ ، $\frac{1}{3}$ ، $\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{6}$ ، $\frac{1}{8}$ و $\frac{2}{3}$

بعضی از وراثت همیشه فرض بر هستند. این عده عبارتند از: مادر، زوج و زوجه و هر کدام دو فرض دارند: فرض بالا و فرض پایین (اعلی و ادنی) که به شرح زیر می باشد:

مادر : $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{6}$ زوج : $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{4}$ زوجه : $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{8}$

اگر مرد چهار زن داشته باشد، چهار زن با هم $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{8}$ می برند.

وراثی که به قرابت می برند سهم معینی ندارند و پس از اینکه فرض بر ها سهمشان را بردند، از ترکه سهم می برند. مثال پسر قرابت بر پسر متوفی می باشد.

مثال: متوفی مادر، زوجه و یک پسر دارد. مادر و زوجه فرض بر هستند و هر دو به علت وجود فرزند

متوفی فرض پایین را می برند؛ مادر $\frac{1}{6}$ و زوجه $\frac{1}{8}$ می برد و مابقی به پسر که قرابت بر است می رسد.

اگر وراثت همه فرض بر باشند ممکن است ترکه کم یا زیاد بیاید که بحث خواهد شد.

از جمله کسانی که گاه به فرض، گاه به قرابت می برند پدر است. اگر متوفی اولاد داشته باشد (حتی نوه

به پایین) پدر متوفی فرض بر بوده و فرض او $\frac{1}{6}$ می باشد و اگر متوفی اولاد نداشته باشد پدر متوفی

قرابت بر خواهد بود. لازم به ذکر است پدر فقط یک فرض دارد.

مثال:

۱- متوفی پدر، مادر و یک پسر دارد. مادر فرض بر بوده و به علت وجود فرزند متوفی فرض پایین

یعنی $\frac{1}{6}$ را میبرد. پدر به علت وجود فرزند متوفی فرض بر بوده و $\frac{1}{6}$ می برد. و مابقی را پسر متوفی

به قرابت می برد.

۲- متوفای دارای پدر، مادر و زوج می باشد. مادر و زوج همیشه فرض بر هستند و در این جا به علت

نبود فرزند برای متوفای فرض بالا را می برند یعنی مادر $\frac{1}{3}$ و زوج $\frac{1}{4}$ می برد. پدر هم به علت نبود

فرزند برای متوفای قرابت بر است و مابقی را به قرابت می برد.

رد: اگر همه وراثت فرض بر باشند و پس از بردن فرض شان ترکه زیاد بیاید؛ مثلاً به نسبت سهم الارث

بین آنها تقسیم می شود (تسهیم به نسبت). به این تقسیم رد گفته می شود.

مثال: متوفی دارای پدر، مادر و دختر می باشد.

اگر دختر تنها باشد (یعنی متوفی پسر نداشته باشد) فرض بر است و فرض او $\frac{1}{4}$ می باشد.

پدر به خاطر وجود فرزند برای متوفی فرض بر بوده و فرض او $\frac{1}{6}$ می باشد.

مادر فرض بر است و به علت وجود فرزند برای متوفی فرض ادنی را که $\frac{1}{6}$ باشد می برد.

فرض ها را جمع می کنیم:

$$\frac{1}{4} + \frac{1}{6} + \frac{1}{6} = \frac{3}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{6} = \frac{5}{6}$$

حال $\frac{5}{6}$ را از واحد (یک) کم می کنیم تا باقیمانده ترکیه به دست آید:

$$1 - \frac{5}{6} = \frac{6}{6} - \frac{5}{6} = \frac{1}{6}$$

$\frac{1}{6}$ از ترکیه باقی ماند که باید به وراثت رد شود. برای رد ابتدا فرض ها را هم مخرج کرده سپس صورت

کسر ها را با هم جمع می کنیم. حاصل هر چه شد باید باقیمانده را به آن نسبت تقسیم کرد یا به عبارتی دیگر باقیمانده را در عکس جمع صورت کسر های هم مخرج ضرب می کنیم و در نهایت به تناسب صورت ها به صاحبان فروض رد می کنیم.

به این عملیات تسهیم به نسبت می گویند.

در این مثال فرض دختر ($\frac{1}{4}$)، پدر ($\frac{1}{6}$) و مادر ($\frac{1}{6}$) را هم مخرج می کنیم.

$$\frac{3}{6} \text{ و } \frac{1}{6} \text{ و } \frac{1}{6}$$

جمع صورت ها: $3+1+1=5$ می باشد. باید $\frac{1}{6}$ باقیمانده را ۵ قسمت نموده، ۳ قسمت به دختر (به

صورت کسر های هم مخرج توجه شود)، ۱ قسمت به پدر و ۱ قسمت به مادر می دهیم. یعنی $\frac{1}{5}$ از $\frac{1}{6}$

را به پدر و به همین نسبت به مادر و $\frac{3}{5}$ از $\frac{1}{6}$ باقیمانده را به دختر می دهیم. سپس مقادیر رد شده را به

فروض اولیه اضافه می کنیم تا قدر السهم نهایی هر یک مشخص شود.

$$\text{پدر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{5}\right) = \frac{1}{6} + \frac{1}{30} = \frac{1}{5}$$

$$\text{مادر: } \frac{1}{5}$$

$$\text{دختر: } \frac{1}{2} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{3}{5}\right) = \frac{1}{2} + \frac{3}{30} = \frac{3}{5}$$

برای اطمینان از صحت عملیات توصیه می شود قدر السهم های نهایی جمع شوند تا برابری آن با واحد (یک) محرز شود.

نکات رد:

بحث رد دارای سه نکته مهم می باشد که ذیلا بیان می شود:

نکته ۱- به زوجه هیچگاه رد نمی شود، حتی اگر وارث منحصر باشد (مواد ۹۰۵ و ۹۴۹ ق.م).

مثال ۱- متوفی دارای پدر، دختر و زوجه است.

پدر به خاطر وجود دختر فرض بر است $\frac{1}{6}$ میبرد.

دختر تنها $\frac{1}{4}$ به فرض و زوجه به خاطر وجود دختر فرض اندی یعنی $\frac{1}{8}$ را می برد.

حال فرض ها را جمع می کنیم:

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{8} + \frac{1}{4} = \frac{19}{24}$$

فرض ها را از واحد کسر می کنیم تا باقیمانده بدست آید:

$$1 - \frac{19}{24} = \frac{5}{24}$$

حال $\frac{5}{24}$ را به پدر و دختر رد می کنیم چون به زوجه رد نمی شود. بنابراین باید فرض پدر و دختر را

هم مخرج کرده و به نسبت صورت کسر آنها تسهیم به نسبت کنیم.

$$\frac{1}{6} \text{ و } \frac{1}{4} = \frac{1}{6} \text{ و } \frac{3}{6}$$

جمع صورت ها $1+3=4$ می باشد. پس از $\frac{5}{24}$ باقی مانده $\frac{3}{4}$ به دختر و $\frac{1}{4}$ به پدر می رسد.

$$\text{زوجه: } \frac{1}{8}$$

$$\text{پدر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{5}{24} \times \frac{1}{4} \right) = \frac{21}{96} = \frac{7}{32}$$

$$\text{دختر: } \frac{1}{2} + \left(\frac{5}{24} \times \frac{3}{4} \right) = \frac{63}{96} = \frac{21}{32}$$

مثال ۲ - متوفی فقط یک زوجه دارد.

چون متوفی فرزند ندارد زوجه فرض اعلی یعنی $\frac{1}{4}$ می برد و مابقی برای امام و در صورت غیبت او برای حاکم است. گرچه نظر مخالفی مبنی بر اینکه در زمان غیبت تمام ترکه به زوجه می رسد نیز وجود دارد.

نکته ۲- به زوج اصولاً رد نمی شود مگر اینکه وارث منحصر باشد (مواد ۹۰۵ و ۹۴۹ ق.م).

مثال ۱- وارث متوفی عبارتند از: مادر، دختر و زوج.

وارث همگی فرض بر بوده و فرض شان به ترتیب عبارت است از $\frac{1}{6}$ ، $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{4}$

$$\text{مانده ترکه: } 1 - \left(\frac{1}{6} + \frac{1}{2} + \frac{1}{4} \right) = \frac{1}{12}$$

به زوج رد نمی شود چون وارث منحصر نیست. پس فرض دختر و مادر هم مخرج می شوند: $\frac{2}{6}$ و $\frac{1}{6}$

جمع صورت کسر: $1+3=4$ پس از $\frac{1}{12}$ مانده $\frac{3}{4}$ به دختر و $\frac{1}{4}$ به مادر می رسد.

$$\text{مادر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{12} \times \frac{1}{4} \right) = \frac{3}{16}$$

$$\text{دختر: } \frac{1}{2} + \left(\frac{1}{12} \times \frac{3}{4} \right) = \frac{9}{16}$$

$$\text{زوج: } \frac{1}{4} = \frac{4}{16}$$

مثال ۲- متوفاه تنها دارای زوج می باشد.

چون متوفاه فرزند ندارد، زوج فرض اعلی یعنی $\frac{1}{4}$ می برد و به علت اینکه وارث منحصر است مابقی به او رد می شود.

نکته ۳- به مادر اصولاً رد می شود مگر اینکه حاجب داشته باشد.

مثال ۱- متوفی، مادر و دختر دارد.

هر دو فرض بر هستند. فرض مادر $\frac{1}{6}$ و فرض دختر $\frac{1}{4}$ می باشد.

$$1 - \left(\frac{1}{4} + \frac{1}{6} \right) = \frac{1}{3}$$

مانده ترکه

$$\frac{1}{6} \text{ و } \frac{2}{6} \text{ مساوی کردن مخرج فرض ها}$$

جمع صورت ها: $1+2=3$

از $\frac{1}{3}$ مانده، $\frac{2}{3}$ به دختر و $\frac{1}{3}$ به مادر می رسد.

$$\frac{1}{4} + \left(\frac{1}{3} \times \frac{2}{3} \right) = \frac{3}{4} \text{ دختر}$$

$$\frac{1}{6} + \left(\frac{1}{3} \times \frac{1}{3} \right) = \frac{1}{4} \text{ مادر}$$

قبل از ذکر مثال برای استثنا نکته ۳، در خصوص رد به مادر باید اصطلاح حجب و انواع آن ذکر شود.

حجب:

حالت وارثی است که با بودن او وارث دیگر یا ارث نمی برد یا کمتر می برد (ماده ۸۸۶ ق.م). حجب بر دو نوع است؛ حرمانی و نقصانی.

در حجب حرمانی، حجاب، به طور کلی وارث دیگر را از ارث محروم می کند. مثلاً هر طبقه حجاب حرمانی طبقه بعد است. یا در هر دسته، درجه نزدیک حجاب حرمانی درجه دور است.

در حجب نقصانی حجاب باعث می شود وارث دیگر کمتر ببرد که بقیه را خودش ببرد. مثل اولاد که فرض بالای زوج یا زوجه را به فرض پایین کاهش می دهد تا خودش بیشتر ببرد. (ماده ۸۸۷ ق.م)

موردی وجود دارد که در آن وارثی اصلاً ارث نمی برد ولی تحت شرایطی حجب نقصانی وارث دیگری می شود؛ و آن برادر و خواهر های متوفی (کلاله یا اخوه) هستند که حجاب مادر متوفی می شوند. در این حالت مادر از طبقه اول است و اخوه از طبقه دوم ، با این حال طبقه دوم بر میزان ارث طبقه اول تاثیر می گذارد.

کلاله یا اخوه میت دو تاثیر بر مادر می گذارند:

۱- سهم مادر را از $\frac{1}{3}$ به $\frac{1}{6}$ کاهش می دهند.

۲- مانع رد اضافه به مادر می شوند.

شرایطی که تحت آن اخوه میت حاجب نقصانی مادر می شوند (ماده ۸۹۲ ق.م)

۱- تعداد: اخوه باید حداقل دو برادر یا مشابه باشد. یعنی یک برادر و دو خواهر یا چهار خواهر.
۲- پدر زنده باشد.

۳- اخوه ممنوع از ارث نباشد مگر به سبب قتل.

اخوه با متوفی از یک پدر باشند (ابوینی یا ابی). از ظاهر قسمت ب ماده ۸۹۲ ق.م چنین بر می آید که باید همه آنها ابوینی یا ابی باشند.

انواع برادر و خواهر:

- ابوینی: دارای پدر و مادر مشترک هستند.
- ابی: تنها دارای پدر مشترک هستند.
- امی: تنها دارای مادر مشترک هستند.

طبقات مختلفه وراث و نحوه و میزان ارث بردن هر یک

در این بخش سعی بر این است که حالات و فروضی که در ارث متصور است بیان شود.
برای تقسیم ترکه، اولین و مهمترین عملی که باید انجام شود؛ تشخیص و تفکیک فرض برها از قرابت برهاست؛ و برای تقسیم ترکه باید ابتدا قدر السهم فرض برها کنار گذاشته شود؛ سپس مانده را به قرابت برها داد.

طبقه اول (شامل پدر، مادر، اولاد به پایین)

I- حالاتی که فقط یک وارث وجود دارد.

در این حالات وارث منحصر کل ماترک را می برد اما نحوه ارث بری او متفاوت خواهد بود.

حالت ۱- متوفی فقط پدر دارد.

در این حالت پدر قرابت بر است و کل ترکه را به قرابت می برد.

حالت ۲- متوفی فقط مادر دارد.

مادر همیشه فرض بر است و چون در این حالت متوفی اولاد ندارد، فرض اعلی را که $\frac{1}{3}$ است، می برد.

و چون وارث دیگری نیست و در نتیجه حاجب ندارد، بقیه به او رد می شود. یعنی $\frac{1}{3}$ به فرض و مابقی را به رد می رد.

حالت ۳- متوفی فقط یک دختر دارد.

در این حالت دختر $\frac{1}{4}$ را به فرض و مابقی را به رد می برد.

حالت ۴- متوفی فقط یک پسر دارد.

پسر همیشه قرابت بر است و در این حالت کل ترکه را به قرابت می برد.

II- حالاتی که دو وارث وجود دارد.

حالت ۱- متوفی پدر و مادر دارد

هرگاه مادر در مسئله بود به این نکته توجه شود که آیا مادر حاجب دارد (یعنی میت اخوه دارد) یا خیر؟
در این حالت دو فرض پیش می آید:

الف- مادر حاجب ندارد:

مادر به علت نبود فرزند برای متوفی و نبود حاجب فرض اعلی را که $\frac{1}{3}$ است می برد.

چون متوفی فرزندی ندارد پدر قرابت بر است و پدر مابقی را به قرابت می برد.

ب- مادر حاجب دارد:

حاجب فرض مادر را به فرض ادنی تنزل می دهد. پس مادر $\frac{1}{6}$ به فرض می برد و پدر به علت نبود

فرزند برای متوفی مابقی را به قرابت می برد.

حالت ۲- متوفی ، پدر و یک دختر دارد.

به علت وجود فرزند، پدر $\frac{1}{4}$ به فرض می برد.

دختر تنها فرض بر بوده و فرض او $\frac{1}{4}$ می باشد.

حال $\frac{1}{3}$ باقیمانده را به وراثت رد می کنیم. مخرج فرض ها را برابر کرده و مانده را مطابق جمع صورت

آنها تقسیم می کنیم. یعنی مانده به نسبت ۱ به ۳ بین پدر و دختر متوفی تقسیم می شود.

$$\frac{1}{4} + \left(\frac{1}{3} \times \frac{1}{4} \right) = \frac{1}{3} \text{ پدر}$$

$$\text{دختر: } \frac{1}{4} + \left(\frac{1}{3} \times \frac{2}{4}\right) = \frac{3}{4}$$

حالت ۳- متوفی دارای مادر و یک دختر می باشد.

در مسئله مادر وجود دارد ولی به واسطه نبود پدر بحث از حاجب مادر محلی ندارد و به مادر رد می شود.

مسئله مانند حالت شماره ۲ حل می شود.

حالت ۴- متوفی دارای پدر و یک پسر می باشد.

بواسطه وجود فرزند برای متوفی، پدر $\frac{1}{2}$ را به فرض و مابقی را پسر به قرابت می برد.

حالت ۵- متوفی دارای مادر و یک پسر می باشد.

مادر $\frac{1}{2}$ را به فرض و مابقی را پسر به قرابت می برد.

حالت ۶- متوفی دارای یک پسر و یک دختر می باشد.

هرگاه دختر در کنار پسر باشد قرابت بر می شود و ماترک بین آنها به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می شود.

یعنی $\frac{1}{3}$ را دختر و $\frac{2}{3}$ را پسر به قرابت می برند.

III- حالاتی که سه وارث وجود دارد.

حالت ۱- متوفی دارای پدر، مادر و یک دختر می باشد.

در مسئله مادر وجود دارد و پدر نیز زنده است؛ پس دو حالت پیش می آید: مادر با حاجب دارد یا ندارد.
 الف- مادر حاجب دارد:

مادر فرض ادنی یعنی $\frac{1}{6}$ را برده و چیزی به او رد نمی شود.

پدر بواسطه وجود فرزند $\frac{1}{6}$ می برد.

دختر تنها (بدون پسر) فرض بر است و $\frac{1}{4}$ می برد.

$$1 - \left(\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{4}\right) = \frac{1}{6}$$

$\frac{1}{6}$ مانده را ۴ قسمت (جمع صورت فرض های پدر و دختر که هم مخرج شده اند) کرده و بین پدر و دختر به نسبت ۱ به ۳ رد می شود.

$$\text{مادر: } \frac{1}{6} = \frac{4}{24}$$

$$\text{پدر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{4}\right) = \frac{5}{24}$$

$$\text{دختر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{3}{4}\right) = \frac{5}{8} = \frac{15}{24}$$

ب- مادر حاجب ندارد. در این حالت به مادر نیز رد می شود.

یعنی $\frac{1}{6}$ مانده را ۵ قسمت (جمع صورت فرض های پدر، مادر و دختر که هم مخرج شده اند) کرده و بین پدر، مادر و دختر به نسبت ۱، ۱ و ۳ رد می شود.

$$\text{مادر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{5}\right) = \frac{1}{5}$$

$$\text{پدر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{5}\right) = \frac{1}{5}$$

$$\text{دختر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{3}{5}\right) = \frac{2}{5}$$

حالت ۲- متوفی دارای پدر، مادر و یک پسر می باشد.

پدر و مادر متوفی بواسطه وجود فرزند متوفی، هر کدام $\frac{1}{6}$ به فرض و مابقی را پسر به قرابت می برد.

در این حالت توهم نشود که چون پدر زنده است ممکن است مادر حاجب داشته باشد. چرا که وقتی در میان وراثت قرابت وجود دارد (مانند ما نحن فیه) چیزی اضافه نمی ماند تا بحث رد و به تبع آن حاجب مادر پیش آید.

حالت ۳- متوفی دارای پدر، یک دختر و یک پسر می باشد.

به علت وجود فرزندان متوفی، پدر فرض بر است و $\frac{1}{6}$ به فرض می برد. دختر در کنار پسر قرابت بر

است و $\frac{5}{6}$ مانده بین آنها به نسبت ۱ به ۲ تقسیم می شود.

$$\text{پدر} : \frac{1}{6} = \frac{3}{18}$$

$$\text{دختر} : \frac{5}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{5}{18}$$

$$\text{پسر} : \frac{5}{6} \times \frac{2}{3} = \frac{10}{18}$$

حالت ۴- متوفی دارای مادر، یک دختر و یک پسر می باشد.

شاید به نظر برسد که چون پدر وجود ندارد، مادر حاجب ندارد؛ اما باید گفت اگر در مسئله قرابت بر وجود داشته باشد اصلاً این بحث مطرح نیست چون چیزی نمی ماند که بحث رد و وجود یا عدم حاجب پیش بیاید.

مادر به واسطه وجود فرزند برای متوفی فرض ادنی یعنی $\frac{1}{6}$ را می برد.

دختر در کنار پسر، قرابت بر می شود و مانده به نسبت ۱ به ۲ بین آنها تقسیم می شود.

$$\text{مادر} : \frac{1}{6} = \frac{3}{18}$$

$$\text{دختر} : \frac{5}{18}$$

$$\text{پسر} : \frac{10}{18}$$

حالت ۵- متوفی دارای پدر و دو دختر (یا چند دختر) می باشد.

پدر بواسطه وجود فرزند برای متوفی $\frac{1}{6}$ به فرض می برد.

نکته: دو یا چند دختر بدون پسر فرض بر هستند و فرض آنها روی هم $\frac{2}{3}$ است که به تساوی بین آنها

تقسیم می شود.

$$\text{پدر} : \frac{1}{6}$$

$$\text{فرض دختران} : \frac{2}{3} = \frac{4}{6}$$

$$1 - \left(\frac{1}{6} + \frac{2}{3} \right) = \frac{1}{6}$$

$\frac{1}{6}$ مانده به پدر و دختران رد می شود. برای این کار پدر یک عضو و دختران روی هم یک عضو فرض می شوند. سپس فرض آنها را هم مخرج می کنیم و به نسبت جمع صورتها ($1+4=5$) سهیم به نسبت می کنیم.

$$\text{پدر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{5}\right) = \frac{1}{5}$$

$$\text{دختران: } \frac{2}{3} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{4}{5}\right) = \frac{4}{5}$$

$\frac{4}{5}$ سهم دختران بین همه آنها به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۶ - متوفی مادر و دو دختر (یا بیشتر) دارد.
چون پدر زنده نیست مادر حاجب ندارد و مسئله دقیقاً مانند حالت ۵ حل می شود.

$$\text{مادر: } \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{5}\right) = \frac{1}{5}$$

$$\text{دختران: } \frac{2}{3} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{4}{5}\right) = \frac{4}{5}$$

حالت ۷ - متوفی دارای پدر و دو پسر (یا بیشتر) می باشد

پدر بواسطه وجود فرزند برای متوفی $\frac{1}{6}$ به فرض می برد و مابقی به قرابت به پسران می رسد که بین آنها به تساوی تقسیم خواهد شد.

حالت ۸ - متوفی مادر و دو پسر (یا بیشتر) دارد.

$\frac{1}{6}$ مادر به فرض می برد و مابقی به قرابت به پسران می رسد که به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

۸ - متوفی سه پسر (یا بیشتر) دارد.

پسر ها کل ترکه را به قرابت برده و بین هم به تساوی تقسیم می کنند.

۹ - متوفی سه دختر (یا بیشتر) دارد.

دختران $\frac{2}{3}$ به فرض برده و مابقی به آنها رد می شود که در نهایت بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

۱۰ - اختلاط پسران و دختران.

دختران در کنار پسران قرابت بر می شوند. کل ترکه به قرابت به دختران و پسران می رسد که به نسبت ۱ به ۲ بین آنها تقسیم می شود. یعنی سهم هر پسر دو برابر یک دختر است.

IV- حالاتی که چهار وارث (یا بیشتر) وجود دارد.

حالت ۱- متوفی پدر، مادر و دو دختر (یا بیشتر) دارد.

پدر و مادر هر کدام $\frac{1}{6}$ و دختران $\frac{2}{3}$ به فرض می برند که به تساوی بین آنها تقسیم می شود. ترکیه تمام است.

حالت ۲- متوفی پدر، مادر و دو پسر (یا بیشتر) دارد.

پدر و مادر هر کدام $\frac{1}{6}$ به فرض و مابقی را پسران به قرابت می برند که به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

حالت ۳- متوفی دارای پدر، مادر و یک پسر (یا بیشتر) و یک دختر (یا بیشتر) می باشد.

پدر و مادر هر کدام $\frac{1}{6}$ به فرض و مابقی را پسران و دختران به قرابت می برند که به نسبت ۲ به ۱ بین آنها تقسیم خواهد شد.

V - نوه ها

نوه ها در طبقه اول و در دسته اولاد جای دارند و به قائم مقامی از والدین شان از متوفی ارث می برند. برای محاسبه سهم الارث آنان پدر یا مادرشان را زنده فرض کرده و با فرض زنده بودن آنها ارث را تقسیم کرده و در نهایت سهم پدر و مادرشان را به آنها (نوه ها) می دهیم.

مثال ۱: متوفی دارای پدر و مادر و دو نوه پسر (یک پسر و یک دختر) و دو نوه دختری (یک پسر و یک دختر) می باشد.

مسئله تبدیل می شود به اینکه متوفی دارای پدر، مادر، یک پسر و یک دختر می باشد.

پدر و مادر هر کدام $\frac{1}{6}$ به فرض میبرند. $\frac{2}{3}$ باقیمانده را بین دختر و پسر به نسبت ۱ به ۲ تقسیم می کنیم.

$$\frac{2}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{2}{9} \text{ به دختر و } \frac{2}{3} \times \frac{2}{3} = \frac{4}{9} \text{ به پسر می رسد.}$$

حال سهم دختر و پسر به فرزندان شان (نوه ها) میرسد که بین اناث و ذکور به نسبت ۱ به ۲ تقسیم می شود.

تقسیم سهم دختر بین پسر و دخترش:

$$\frac{2}{9} \times \frac{2}{3} = \frac{4}{27} \text{ پسر دختر}$$

$$\text{نسبت دختر: } \frac{2}{9} \times \frac{1}{3} = \frac{2}{27}$$

تقسیم سهم پسر بین پدر و دخترش:

$$\text{نسبت پسر: } \frac{4}{9} \times \frac{2}{3} = \frac{8}{27}$$

$$\text{نسبت دختر: } \frac{4}{9} \times \frac{1}{3} = \frac{4}{27}$$

مثالی ۲: متوفی دارای پدر و دو نوه دختری (یک پسر و یک دختر) می باشد.

دختر متوفی را زنده فرض می کنیم و مسئله تبدیل می شود به پدر و دختر (حالت II-۲)

سپس سهم نهایی دختر به نسبت ۲ به ۱ بین فرزندان تقسیم می شود.

VI- زوجین با اقربای طبقه اول

زوجین همیشه فرض بر بوده و فرض آنها در صفحه ۱۵ آمده است. در فرض اعلی یا ادنی ملاک، اولاد داشتن یا نداشتن متوفی است و اولاد داشتن یا نداشتن زوج یا زوجه وارث موثر نیست.

چون زوجین فرض بر هستند در مسئله ابتدا سهم آنها کنار گذاشته می شود.

مثال ۱: متوفی دارای پدر، مادر، یک دختر و زوجه می باشد.

پدر $\frac{1}{6}$ ، مادر $\frac{1}{6}$ ، دختر $\frac{1}{4}$ ، و زوجه $\frac{1}{8}$ همگی به فرض می برند و از باقیمانده به زوجه رد نمی شود.

$$\frac{1}{24} = 1 - \left(\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{4} + \frac{1}{8} \right) : \text{مانده ترکه}$$

اگر مادر حاجب نداشته باشد از $\frac{1}{24}$ مانده به او هم رد می شود، ولی اگر مادر حاجب داشته باشد از $\frac{1}{24}$

مانده فقط به پدر و دختر رد می شود.

مثال ۲: متوفی دارای زوجه، پدر، مادر و دو برادر ابوینی است.

مادر حاجب دارد پس $\frac{1}{6}$ به فرض می برد.

زوجه $\frac{1}{4}$ به فرض می برد. و مابقی را پدر به قرابت می برد.

نقص: در طبقه اول وقتی زوج یا زوجه در مسئله می آید، اگر همه وراثت فرض بر باشند، گاهی پس از جمع فروض مشاهده می شود که این حاصل جمع از واحد بزرگتر است؛ عبارتی دیگر ترکه کم می آید.

مثال ۱- متوفی دارای پدر، مادر، یک دختر و زوج می باشد.

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{2} + \frac{1}{4} = \frac{2+2+6+3}{12} = \frac{13}{12}$$

جمع فروض عبارت است از

مثال ۲- متوفی دارای پدر، مادر، زوجه و چند دختر می باشد.

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{8} + \frac{2}{3} = \frac{4+4+3+16}{24} = \frac{27}{24}$$

جمع فروض عبارت است از

مثال ۳- متوفی دارای پدر، مادر، زوج و چند دختر می باشد.

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{6} + \frac{1}{4} + \frac{2}{3} = \frac{2+2+3+8}{12} = \frac{15}{12}$$

جمع فروض عبارت است از

مثال ۴- متوفی دارای پدر، چند دختر و زوج می باشد.

$$\frac{1}{6} + \frac{2}{3} + \frac{1}{4} = \frac{2+8+3}{12} = \frac{13}{12}$$

جمع فروض عبارت است از

مثال ۵- متوفی دارای مادر، چند دختر و زوج می باشد.

$$\frac{1}{6} + \frac{2}{3} + \frac{1}{4} = \frac{2+8+3}{12} = \frac{13}{12}$$

جمع فروض عبارت است از

پنج مثال بالا تنها موارد طبقه اول هستند که ترکیه کم می آید.
 وقتی در طبقه اول ترکیه کم بیاید، نقص را بر دختر یا دختران وارد می کنیم. بدین ترتیب که صورت فرض آنها را در حاصل جمع فروض آنقدر کاهش می دهیم تا جمع فروض برابر واحد شود. عبارتی دیگر گویی آنها را در مسئله قرابت بر فرض کرده و پس از دادن فرض سایر فرض بران، مانده را به دختر یا دختران می دهیم.

$$\frac{2}{12} + \frac{2}{12} + \frac{5}{12} + \frac{3}{12} = 1$$

مثلا در مثال ۱ اگر سهم دختر را $\frac{5}{12}$ کنیم حاصل جمع برابر واحد می شود.

در مثال ۲ سهم دختران $\frac{13}{24}$ و در مثال ۳ سهم دختران $\frac{5}{12}$ ، در مثال های ۴ و ۵ سهم دختران $\frac{7}{12}$ خواهد بود.

راه حل هایی که در رد و نقص داده شد منطبق بر فقه امامیه است. در فقه عامه در این خصوص راه حل های دیگری وجود دارد، آنجا به جای رد به فرض بر ها تعصیب وجود دارد یعنی زائد بر سهم صاحبان فرض، به خویشاوندان ابوینی اگر چه از درجه یا طبقه موخر باشند داده می شود.
 و در صورتیکه ترکیه کم بیاید نقص را بر همه وارد می کنند. یعنی مخرج مشترک کسر حاصل جمع را

آنقدر زیاد می کنند تا حاصل جمع برابر واحد شود، این عمل را عول می گویند.^۱
در مثال ۱ مخرج مشترک را به ۱۳ ارتقا می دهیم بدین ترتیب سهم هر یک به ترتیب عبارت خواهد بود

$$\text{از: } \frac{2}{13}, \frac{2}{13}, \frac{4}{13}, \frac{3}{13}$$

$$\text{در مثال ۲ سهم به ترتیب عبارتند از: } \frac{4}{27}, \frac{4}{27}, \frac{3}{27}, \frac{14}{27}$$

$$\text{و در مثال ۳ سهم به ترتیب عبارتند از: } \frac{2}{15}, \frac{2}{15}, \frac{3}{15}, \frac{8}{15}$$

$$\text{و در مثال های ۴ و ۵ سهم به ترتیب عبارتند از: } \frac{2}{12}, \frac{7}{12}, \frac{3}{12}$$

خاتمه طبقه اول

حبوه

حبوه موضوع ماده ۹۱۵ ق.م است و در لغت به معنی عطیه و بخشش است.

از واژه شمشیر بر می آید که میت باید مرد باشد.

حبوه از ویژگیهای فقه امامیه بوده و ریشه در زندگی قبیله ای دارد.

هر یک از اموالی که در ماده ۹۱۵ ق.م ذکر شده است، در صورت تعدد (با قید استفاده از همه آنها توسط میت) به پسر بزرگ او می رسد. اما حکم ماده ۹۱۵ ق.م شامل مجموعه یا کلکسیون ان اموال نمی شود.

در خصوص حبوه به ذکر چند نکته اکتفا می کنیم:

- ۱- اگر دخترانی بزرگتر از پسر بزرگ وجود داشته باشند، باز حبوه از آن پسر بزرگ است.
- ۲- اگر میت دو پسر بزرگ هم سن داشته باشد (دو قلو یا از دو زن) منطقی تر این است که حبوه به علت استثنا بودن آن منتفی باشد، گرچه نظر مخالف مبنی بر اینکه دو پسر حبوه را به تساوی بین خود تقسیم می کنند نیز وجود دارد.
- ۳- اگر پسر بزرگ حین فوت مورث حمل بوده، نظر به اینکه حمل از حقوق مدنی منتفع است و حبوه یکی از این حقوق است، استقرار حبوه منطقی تر به نظر می رسد. گرچه نظر مخالف بدین استدلال وجود دارد که به حمل، پسر بزرگ اطلاق نمی شود.

۱- امامی، سید حسن، پیشین، صص ۲۷۶ و ۲۷۸

طبقه دوم (شامل اجداد به بالا و برادر و خواهر به پایین)

طبقه دوم را در ۴ بخش بررسی می کنیم:

- I. اجداد
- II. برادر و خواهر
- III. اجداد و برادر و خواهر
- IV. زوجین با اقربای طبقه دوم

I - اجداد

کلیات

این بخش شامل اجداد (جمع جد به معنی پدر بزرگ ها) و جدات (جمع جده به معنی مادر بزرگ ها) می باشد.

جد و جده یا ابی هستند یا امی. (جده یا جده ابویلی اضافه بی معنی است.)

جد ابی: پدر پدر

جد امی: پدر مادر

جده ابی: مادر پدر

جده امی: مادر مادر

نکته ۱- جد و جده ابی ریشه پدری دارند و ذکور دو برابر اناث می برند. یعنی جد ابی دو برابر جده ابی می برد.

نکته ۲- جد و جده امی ریشه مادری دارند و ذکور و اناث برابر می برند. یعنی جد امی به اندازه جده امی می برد.

در توارث اجداد فرض کنید پدر و مادر متوفی زنده هستند در این صورت $\frac{2}{3}$ پدر و $\frac{1}{3}$ مادر خواهد برد.

اجداد هم در واقع سهم فرزندان شان را می برند. یعنی در تقسیم سهم الارث اجداد ترکیه را ۳ قسمت کرده ۱ قسمت آنرا به اجداد امی و ۲ قسمت آن را به اجداد ابی می دهیم تا مطابق نکات ۱ و ۲ بین خود تقسیم کنند.

پس اگر اجداد امی واحد باشد $\frac{1}{3}$ را به تنهایی و اگر اجداد ابی تنها باشد $\frac{2}{3}$ را به تنهایی خواهد برد.

به نظر می رسد اجداد امی خواه واحد باشند یا متعدد، فرض بر بوده و فرض آنها $\frac{1}{3}$ است.

I-I - حالاتی که تنها یک وارث وجود دارد:

حالت ۱- جد ابی تنها یا جد ابی تنها: کل ماترک را به قرابت می برند.

حالت ۲- جد امی تنها یا جد امی تنها: $\frac{1}{3}$ را به فرض برده و مابقی را به رد می برند.

I-II - حالاتی که دو وارث وجود دارد:

حالت ۱ - جد ابی و جد ابی: هر دو قرابت بر بوده و ترکیه را به نسبت ۲ به ۱ بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۲ - جد امی و جد امی: $\frac{1}{3}$ به فرض برده و مابقی به آنها رد می شود که به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۳- جد ابی (یا جد ابی) و جد امی (یا جد امی): جد امی (یا جد امی) $\frac{2}{3}$ به فرض برده و مابقی به قرابت به جد ابی (یا جد ابی) می رسد.

I-III - حالاتی که سه وارث وجود دارد:

حالت ۱- جد ابی، جد ابی و جد امی (یا جد امی): جد امی (یا جد امی) $\frac{1}{3}$ به فرض می برد و $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به اجداد ابی می رسد که به نسبت ۲ به ۱ بین خود تقسیم می کنند.

$$\text{جد (یا جد) امی: } \frac{1}{3} = \frac{3}{9}$$

$$\text{جد ابی: } \frac{2}{3} \times \frac{2}{3} = \frac{4}{9}$$

$$\text{جد ابی: } \frac{2}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{2}{9}$$

حالت ۲- جد ابی (یا جده ابی)، جد امی و جده امی: اجداد امی $\frac{1}{3}$ به فرض برده و بین خود به تساوی تقسیم می کنند. $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به جد (یا جده) ابی می رسد.

$$\text{جد امی: } \frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6}$$

$$\text{جده امی: } \frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6}$$

$$\text{جد (یا جده) ابی: } \frac{2}{3} = \frac{4}{6}$$

I-IV - حالتی که چهار وارث وجود دارد:

یعنی وراث عبارتند از: جد و جده ابی و جد و جده امی: در این حالت اجداد امی $\frac{1}{3}$ به فرض برده و به تساوی بین خود تقسیم می کنند. $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به اجداد ابی می رسد که به نسبت ۲ به ۱ بین خود تقسیم می کنند.

$$\text{جد امی: } \frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6} = \frac{2}{12}$$

$$\text{جده امی: } \frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6} = \frac{2}{12}$$

$$\text{جد ابی: } \frac{2}{3} \times \frac{2}{3} = \frac{4}{9} = \frac{8}{18}$$

$$\text{جده ابی: } \frac{2}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{2}{9} = \frac{4}{18}$$

II - برادر و خواهر ها (اخوه یا کلاله)

کلیات

در این خصوص نکاتی به شرح زیر وجود دارد.

نکته ۱- برادر و خواهر ابوینی حاجب حرمانی برادر و خواهر ابی می باشند. یعنی برادر و خواهر ابی وقتی ارث می برند که برادر و خواهر ابوینی نباشند.

نکته ۲- هیچ یک از برادر و خواهر ابوینی یا ابی حاجب برادر و خواهر امی نیستند.

نکته ۳- برادر و خواهر ابوینی یا ابی ریشه در پدر دارند و ذکور آنها دو برابر اناث می برند.

نکته ۴- برادر و خواهر امی ریشه در مادر داشته و ذکور و اناث آنها به یک اندازه می برند.

نکته ۵- اگر کلاله امی واحد باشد $\frac{1}{6}$ و اگر متعدد باشند $\frac{1}{3}$ به فرض می برند که به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

نکته ۶- خواهر ابوینی یا ابی واحد (بدون برادر) فرض بر بوده و فرض او $\frac{1}{4}$ می باشد.

نکته ۷- دو خواهر (یا بیشتر) ابوینی یا ابی (بدون برادر) فرض بر بوده و فرض آنها $\frac{2}{3}$ می باشد که نهایتاً بین آنها به تساوی تقسیم خواهد شد.

نکته ۸- کلاله امی همیشه فرض بر هستند.

نکته ۹- برادر ابی یا ابوینی همیشه قرابت بر هستند.

نکته ۱۰- خواهر یا خواهر های ابوینی یا ابی همراه برادر قرابت بر هستند.

پس از ذکر نکات فوق به بیان حالات گوناگون ارث بردن برادر و خواهر می پردازیم.

حالت ۱- یک برادر ابوینی: تمام ترکه را به قرابت می برد.

حالت ۲- یک خواهر ابوینی: $\frac{1}{4}$ به فرض می برد و مابقی به او رد می شود.

حالت ۳- یک برادر (یا خواهر) امی: چون کلاله امی واحد است $\frac{1}{6}$ به فرض می برد و مابقی به او رد می شود.

حالت ۴- دو برادر (یا بیشتر) ابوینی: تمام ترکه را به قرابت برده و بین هم به تساوی تقسیم می کنند.

حالت ۵- دو خواهر یا بیشتر ابوینی: $\frac{2}{3}$ را به فرض می برند و مابقی را به رد که نهایتاً کل ترکه بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۶- دو برادر (یا بیشتر) امی: $\frac{1}{3}$ را به فرض و مابقی را به رد می برند که نهایتاً کل ترکه بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۷- دو خواهر (یا بیشتر) امی: مانند مسئله ۶ حل می شود.

حالت ۸- یک برادر (یا بیشتر) ابوینی و یک خواهر (یا بیشتر) ابوینی: ذکور دو برابر اناث برده و همگی قرابت بر هستند.

حالت ۹- یک برادر (یا بیشتر) ابوینی و یک برادر (یا خواهر) امی: کلاله امی واحد است و $\frac{1}{6}$ به

فرض می برد. مابقی را برادران ابوینی به قرابت می برند و به تساوی بین هم تقسیم می کنند.

حالت ۱۰- یک خواهر ابوینی و یک برادر (یا خواهر) امی:

خواهر ابوینی $\frac{1}{4}$ و برادر (یا خواهر) امی $\frac{1}{6}$ به فرض می برند و مابقی ترکیه به آنها رد می شود.

$$\frac{1}{3} = 1 - \left(\frac{1}{4} + \frac{1}{6}\right) : \text{مانده ترکیه}$$

$$\frac{3}{4} = \frac{1}{4} + \left(\frac{1}{3} \times \frac{3}{4}\right) : \text{خواهر ابوینی}$$

$$\frac{1}{4} = \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{3} \times \frac{1}{6}\right) : \text{برادر (یا خواهر) امی}$$

حالت ۱۱- یک برادر امی و یک خواهر امی (یا اختلاط برادران و خواهران امی به هر تعداد):

$\frac{1}{3}$ به فرض برده و مابقی به آنها رد می شود که بین ذکور و اناث به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۱۲- یک برادر (یا بیشتر) ابوینی و اختلاط برادران و خواهران امی:

$\frac{1}{3}$ را کلاله امی به فرض برده و بین آنها به تساوی تقسیم می شود و مابقی به برادر یا برادران ابوینی به

قرابت رسیده و به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

حالت ۱۳- دو خواهر ابوینی (یا بیشتر) و یک برادر یا خواهر امی:

خواهران ابوینی $\frac{2}{3}$ و برادر (یا خواهر ابی) $\frac{1}{6}$ به فرض می برند و مابقی به آنها رد می شود.

$$\frac{1}{6} = 1 - \left(\frac{2}{3} + \frac{1}{6}\right) : \text{مانده ترکیه}$$

$$\frac{4}{5} = \frac{2}{3} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{4}{5}\right) : \text{خواهران ابوینی}$$

$$\frac{1}{5} = \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{1}{5}\right) : \text{خواهر (یا برادر) امی}$$

حالت ۱۴- یک خواهر ابوینی و اختلاط برادران و خواهران امی:

$\frac{1}{4}$ به خواهر ابوینی و $\frac{1}{3}$ به کلاله امی به فرض می رسد و مابقی به آنها رد می شود. سهم نهایی کلاله امی بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

$$1 - \left(\frac{1}{4} + \frac{1}{3}\right) = \frac{1}{6} \text{ : مانده ترکه}$$

$$\frac{1}{4} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{3}{5}\right) = \frac{3}{5} \text{ : خواهر ابوینی}$$

$$\frac{1}{3} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{2}{5}\right) = \frac{2}{5} \text{ : کلاله امی}$$

حالت ۱۵ - دو خواهر ابوینی یا بیشتر و اختلاط خواهران و برادران امی:

$\frac{2}{3}$ به فرض می برند که بین هم به تساوی تقسیم می کنند و خواهران و برادران امی $\frac{1}{3}$ به فرض می برند که بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۱۶ - اختلاط خواهران و برادران ابوینی و امی با یکدیگر:

$\frac{1}{3}$ به فرض به امی ها می رسد که بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

مابقی به ابوینی ها می رسد و به نسبت ۲ به ۱ بین ذکور و اناث تقسیم می شود. در مسئله های زیر هر گاه ابوینی را به ابی تبدیل کنیم باز مسئله به همان نحو حل می شود.

نکته مهم: حل مسائل که در بالا آمد؛ به ویژه در سه فرض:

- خواهر ابوینی (یا ابی) با کلاله امی واحد
- خواهر ابوینی (یا ابی) با کلاله امی متعدد
- چند خواهر ابوینی (یا ابی) با کلاله امی واحد

منطبق بر اصول حقوقی بوده و استادی چون دکتر شهیدی^۱ و دکتر کاتوزیان در برخی از نوشته هایشان با این نظر موافقت^۲ و می گویند بخش اضافی ماترک باید به نسبت فرض ها به هر تیره رد گردد.

۱- شهیدی، مهدی، ارث، انتشارات مجد، چاپ پنجم (دوم مجد)، ص ۱۶۴

۲- کاتوزیان، ناصر، درسهایی از شفعه، وصیت، ارث، نشر میزان، چاپ ۴، ص ۱۸۵

اما ایشان در حاشیه چهارم ماده ۹۰۵ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی خلاف این نظر را بیان نموده اند.

این نظر مخالفانی در فقه دارد و نظر مشهور بر این است که بخش اضافی بر فروض به کلاله امی رد نمی شود و مابقی ماترک به رد به کلاله ابی یا ابوینی می رسد شهرت این نظر تا آنجاست که شهید ثانی در کتاب روضه البهیة بیان می دارد که در میان فقها تنها حسن ابن ابی عقیل و فضل ابن شاذان با این نظر مخالفت نموده اند^۱.

از آنجا که قانون مدنی در خصوص این سه فرض ساکت است برخی را اعتقاد بر این است که با توجه به اصل ۱۶۷ ق.ا و ماده ۳ قانون آ.د.م که قضات دادگاهها را مکلف نموده تا کوشش نمایند، حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و در صورت سکوت با استناد به منابع معتبر اسلامی حکم قضیه را صادر نمایند باید نظر فقها را تقویت نمود.

شاید در تائید این نظر چنین استدلال شود: ماده ۸۹۳ ق.م می گوید برخی از ورثه هستند که گاه به فرض و گاه به قرابت می برند و ماده ۸۹۷ پدر و خواهر و خواهر های ابی یا ابوینی را از جمله این افراد معرفی می کند؛ اما در ادامه بیان نمی شود که اینان کی فرض برند و کی قرابت بر و باید از بقیه مواد فرض بر یا قرابت بر بودن آنها استنباط شود. مثلاً در خصوص پدر ماده ۹۰۴ ق.م فرض او را بیان کرده و مواد ۹۰۸ و ۹۰۹ ق.م حالاتی را بیان می کنند در آنها پدر فرض بر است. شبیه به این وضعیت در ماده ۹۲۲ ق.م مشاهده می شود؛ در این ماده اخوه ابوینی یا ابی به طور مطلق آمده و گویی در این حالت قرابت بر می باشند. این نظر قابل تأمل است چرا که اطلاق ماده ۹۲۲ ق.م با اطلاق مواد ۸۹۹ و ۹۰۲ ق.م سازگار نیست. بعلاوه نمی توان گفت مواد اخیر اصل و ماده ۹۲۲ ق.م (اجتماع یا اختلاط اخوه ابوینی و کلاله امی) استثنا را بیان کرده یا ماده ۹۲۲ مخصص مواد ۸۹۹ و ۹۰۲ ق.م می باشد.

از جمله طرفداران این نظر که منطبق بر فقه است دکتر امامی می باشد.^۲ در مقابل عده ای نظر اول را پذیرفته اند بدین استدلال که قانونگذار مقررات راجع به ارث را مستقیماً از فقه امامیه اقتباس نموده و با عنایت به حکم مذکور در فقه با سکوت از کنار آن گذشته است لذا می توان این سکوت در مقام بیان قانونگذار را به منزله عدم پذیرش این حکم پنداشت ضمن اینکه از عمومات موجود در احکام مربوط به ارث نیز همین امر استنباط می شود و عدم استحقاق کلاله امی نسبت به مقرران اضافی امری استثنایی بوده که نیازمند تصریح است.

۱- لطفی، اسد الله، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، انتشارات مجد، چاپ ۴، ص ۶۱۳

۲- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۳، انتشارات اسلامی، چاپ ۱۸، ص ۲۹۰

III- اختلاط اجداد و برادر و خواهر

پیچیده ترین مباحث ارث در این بخش جای دارد و در برخی از فروض دقت ویژه ای را می طلبد.

کلیات

- نکته ۱- برای حل مسئله، اجداد را به برادر و خواهر از تیره خودشان تبدیل می کنیم.
- یعنی جد ابی به برادر ابوینی (یا ابی)، جده ابی به خواهر ابوینی (یا ابی)، جد امی به برادر امی و جده امی به خواهر امی تبدیل شده، مسئله حل می شود.
- نکته ۲- اجداد ابی که قرابت برند اگر با خواهر یا خواهران ابوینی یا ابی همراه باشند آنها را نیز را قرابت بر می کنند.
- نکته ۳- برای تقسیم ماترک علی القاعده $\frac{1}{3}$ به فرض به خویشانی میرسد که از ناحیه مادر قرابت دارند (اعم از اجداد و برادر و خواهر) که بین هم به تساوی تقسیم می کنند و $\frac{2}{3}$ به قرابت خویشانی میرسد که از ناحیه پدر قرابت دارند (اعم از اجداد ابوینی و اخوه ابوینی یا ابی) که به نسبت ۲ به ۱ بین ذکور و اناث تقسیم می شود.
- استثنا اگر خویش امی تنها یک برادر یا یک خواهر باشد به جای $\frac{1}{3}$ ، فرض او $\frac{1}{6}$ ترکه است و $\frac{5}{6}$ باقیمانده به قرابت به خویشانی می رسد که از ناحیه پدر قرابت دارند. ولی اگر خویش امی واحد تنها یک جد یا یک جده باشد، مطابق قاعده فرض او $\frac{1}{3}$ ترکه است.
- برای درک مسائل این بخش مثال های متعددی آورده شده است که گر چه برخی از آنها بسیار ساده می باشند اما برای درک نحوه ارث بری مفید می باشند.
- مثال ها:
- حالت ۱- جد ابی و یک برادر ابوینی یا بیشتر: کل ترکه را به قرابت برده و بین هم به تساوی تقسیم می کنند.
- حالت ۲- جد ابی و یک خواهر ابوینی یا بیشتر: جد ابی خواهر یا خواهران ابوینی را قرابت بر می کند. ذکور دو برابر اناث و همه به قرابت می برند.
- حالت ۳- جده ابی و یک برادر ابوینی یا بیشتر: همگی قرابت بر بوده و ذکور دو برابر اناث می برند.

حالت ۴- جده ابی و یک خواهر ابوینی یا بیشتر: همگی قرابت بر بوده و کل ترکه بین آنها به تساوی تقسیم می شود. توجه شود که تبدیل جده ابی به خواهر، معادل مجموع خواهران، که فرض بر هستند نمی شود. اجداد مطلقا قرابت بر بوده و خواهران و برادران که همراه آنها باشند نیز قرابت بر خواهند بود.

حالت ۵- جد(یا جده) ابی و کلاله امی واحد (یا متعدد): کلاله امی مطلقا فرض بر بوده و در صورت وحدت فرض او $\frac{1}{6}$ (و در صورت تعدد فرض آنها $\frac{1}{4}$ می باشد که به تساوی بین هم تقسیم می کنند) می باشد. مابقی به جد(یا جده) ابی به قرابت می رسد.

حالت ۶- جد(یا جده) امی (یا هر دو) و یک برادر ابوینی یا بیشتر: سهم جد (یا جده) (یا هر دو مجموعا) امی $\frac{1}{3}$ است که به فرض می برد و مابقی به قرابت به برادر یا برادران ابوینی می رسد که به تساوی بین هم تقسیم می کنند.

حالت ۷- جد (یا جده) امی (یا هر دو) و یک خواهر ابوینی: سهم جد (یا جده) (یا هر دو مجموعا) امی $\frac{1}{3}$ است که به فرض می برد. فرض خواهر ابوینی $\frac{1}{6}$ است و $\frac{1}{6}$ باقیمانده به نسبت سهم شان به آنها رد می شود.

$$\text{جد (یا جده) (یا هر دو مجموعا) امی} : \frac{1}{3} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{2}{5}\right) = \frac{2}{5}$$

$$\text{خواهر ابوینی} : \frac{1}{6} + \left(\frac{1}{6} \times \frac{3}{5}\right) = \frac{2}{5}$$

حالت ۸- جد (یا جده) امی (یا هر دو) و چند خواهر ابوینی: جد (یا جده) امی (یا هر دو) $\frac{1}{3}$ به قرابت برده (که اگر با هم باشند به تساوی بین هم تقسیم می کنند) و $\frac{2}{3}$ به خواهران ابی می رسد که به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

حالت ۹- جد یا جده امی (یا هر دو) و کلاله امی واحد یا متعدد: همگی فرض بر بوده و $\frac{1}{4}$ ترکه را به فرض و مابقی را به رد برده و به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۱۰- جد (یا جده) امی (یا هر دو یا اختلاط آنها با کلاله امی) و یک خواهر ابوینی: $\frac{1}{4}$ ترکه به فرض به خویشان امی و $\frac{1}{4}$ ترکه به فرض به خواهر ابوینی می رسد و مابقی به نسبت سهم شان به هر دو رد می شود.

حالت ۱۱- اجداد ابی و کلاله ابوینی و کلاله امی واحد: کلاله امی چون واحد است $\frac{1}{6}$ به فرض میرد و مابقی به قرابت به خویشان پدری می رسد که به نسبت ۲ به ۱ بین ذکور و اناث تقسیم می شود.

حالت ۱۲- اجداد ابی و کلاله ابوینی و کلاله امی متعدد: کلاله امی $\frac{1}{3}$ به فرض برده و بین آنها به تساوی تقسیم می شود و ما بقی به قرابت به خویشان پدری می رسد که به نسبت ۲ به ۱ بین ذکور و اناث تقسیم می شود.

۱۵- اجداد ابی و کلاله ابوینی و اجداد امی و کلاله امی: مسئله مانند مثال ۱۲ حل می شود.
در هر یک از مسائل بالا می توان بعد از کلاله ها واژه " ابوینی " را به " ابی " تغییر داد و مسئله را به همان شکل حل کرد.

IV- زوجین با اقربای طبقه دوم

هر گاه زوج یا زوجه با طبقه دوم همراه باشد ابتدا سهم زوج ($\frac{1}{4}$) یا زوجه ($\frac{1}{4}$)، سپس سهم خویشان امی را کنار گذاشته و باقیمانده را به خویشان ابوینی یا ابی می دهیم.
در طبقه دوم نقص بر خواهر یا خواهران ابوینی یا ابی وارد می شود.
برای درک بهتر مسئله چند مثال می آوریم:

حالت ۱- زوج و اجداد ابی (یا یکی از آنها): زوج $\frac{1}{4}$ به فرض برده و مابقی به قرابت به اجداد ابی که بین خود به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می کنند.

حالت ۲- زوج و اجداد امی (یا یکی از آنها): زوج $\frac{1}{4}$ و اجداد امی $\frac{1}{3}$ به فرض برده و مابقی به اجداد امی رد می شود که بین خود به تساوی تقسیم می کنند.

حالت ۳- زوجه و اجداد ابی (یا یکی از آنها): زوجه $\frac{1}{4}$ به فرض برده و مابقی به قرابت به اجداد ابی می رسد که بین خود به نسبت ۲ به ۱ تقسیم می کنند.

حالت ۴- زوجه و اجداد امی (یا یکی از آنها): زوجه $\frac{1}{4}$ و اجداد امی $\frac{1}{3}$ به فرض برده و مابقی به اجداد امی رد می شود که بین خود به تساوی تقسیم می کنند.

حالت ۵- زوج (یا زوجه) و اجداد ابی و اجداد امی: زوج $\frac{1}{4}$ (یا زوجه $\frac{1}{4}$) به فرض می برد. $\frac{1}{3}$ اجداد امی به فرض برده و بین خود به تساوی تقسیم می کنند و مابقی به اجداد ابی به قرابت می رسد که ذکور دو برابر اناث می برند.

حالت ۶- زوج (یا زوجه) و یک یا چند برادر ابوینی: زوج $\frac{1}{4}$ (یا زوجه $\frac{1}{4}$) به فرض می برد. و مابقی به قرابت به برادر یا برادران ابوینی می رسد که به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۷- زوج و یک خواهر ابوینی: زوج $\frac{1}{4}$ و خواهر ابوینی تنها نیز $\frac{1}{4}$ به فرض می برند. در این صورت ترکیه کم می آید و نه زیاد.

حالت ۸- زوج و یک خواهر ابوینی: زوج $\frac{1}{4}$ و خواهر ابوینی $\frac{1}{4}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} - \left(\frac{1}{4} + \frac{1}{4} \right) = \frac{1}{4}$$

مانده به خواهر ابوینی رد می شود.

$$\frac{1}{4} + \frac{1}{4} = \frac{1}{2}$$

حالت ۹- زوج و چند خواهر ابوینی: زوج $\frac{1}{4}$ و خواهران ابوینی $\frac{2}{3}$ به فرض می برند. در این صورت

ترکیه کم می آید که نقص بر خواهران ابوینی وارد می شود. یعنی به جای $\frac{2}{3}$ ، $\frac{1}{3}$ به خواهران ابوینی می رسد که به تساوی بین هم تقسیم می کنند.

حالت ۱۰- زوج و چند خواهر ابوینی: زوج $\frac{1}{4}$ و خواهران ابوینی $\frac{2}{3}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} - \left(\frac{1}{4} + \frac{2}{3} \right) = \frac{1}{12}$$

اضافه به خواهران ابوینی رد می شود.

$$\frac{2}{3} + \frac{1}{12} = \frac{9}{12} = \frac{3}{4}$$

سهم خواهر ابوینی

حالت ۱۱- زوج و کلاله امی واحد: زوج $\frac{1}{4}$ و کلاله امی واحد $\frac{1}{6}$ به فرض برده و اضافه به خویش امی رد می شود.

$$۱ - \left(\frac{1}{4} + \frac{1}{6}\right) = \frac{2}{6} = \frac{1}{3}$$

$$\frac{1}{6} + \frac{1}{3} = \frac{2}{6} = \frac{1}{3}$$

حالت ۱۲- زوج و کلاله امی واحد: : زوج $\frac{1}{4}$ و کلاله امی واحد $\frac{1}{6}$ به فرض برده و اضافه به خویش امی رد می شود. یعنی سهم نهایی خویش امی $\frac{2}{6}$ است.

حالت ۱۳- زوج و کلاله امی متعدد: زوج $\frac{1}{4}$ و کلاله امی متعدد $\frac{1}{3}$ به فرض برده و اضافه به خویشان امی رد می شود. پس سهم نهایی خویشان امی: $۱ - \frac{1}{4} = \frac{3}{4}$ می باشد که به تساوی بین هم تقسیم می کنند.

حالت ۱۴- زوج و کلاله امی متعدد: : زوج $\frac{1}{4}$ و کلاله امی متعدد $\frac{1}{3}$ به فرض برده و اضافه به خویشان امی رد می شود. پس سهم نهایی خویشان امی: $۱ - \frac{1}{4} = \frac{3}{4}$ می باشد که به تساوی بین هم تقسیم می کنند.

حالت ۱۵- زوج و یک خواهر ابوینی و کلاله امی واحد: زوج $\frac{1}{4}$ ، خواهر ابوینی $\frac{1}{4}$ و خویش امی واحد $\frac{1}{6}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} + \frac{1}{4} + \frac{1}{6} = \frac{7}{6}$$

ترکه کم می آید که نقص را به خواهر ابوینی وارد می کنیم (گویی خویش پدری را قرابت بر فرض کرده و مانده را به او رد می کنیم).

پس سهم خواهر ابوینی به جای $\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{3}$ خواهد بود.

حالت ۱۶- زوج و یک خواهر ابوینی و کلاله امی واحد: زوج $\frac{1}{4}$ ، خواهر ابوینی $\frac{1}{4}$ و خویش امی

سواحد $\frac{1}{6}$ به فرض می برند.

$$۱ - \left(\frac{1}{4} + \frac{1}{2} + \frac{1}{6} \right) = \frac{1}{12}$$

ماتده ترکه

اضافه به خواهر ابوينی و خویش امی واحد به نسبت فرض شان رد می شود. اضافه ۴ قسمت شده و به نسبت ۳ به ۱ رد می شود.

$$\frac{1}{4} + \left(\frac{1}{12} \times \frac{3}{4} \right) = \frac{9}{16}$$

سهم خواهر ابوينی

$$\frac{1}{6} + \left(\frac{1}{12} \times \frac{1}{4} \right) = \frac{3}{16}$$

سهم خویش مادری

حالت ۱۷- زوج و چند خواهر ابوينی و کلاله امی واحد: زوج $\frac{1}{4}$ ، چند خواهر ابوينی $\frac{2}{3}$ و خویش مادری $\frac{1}{6}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} + \frac{2}{3} + \frac{1}{6} = \frac{8}{6}$$

جمع فروض

ترکه کم می آید و نقص بر خواهران ابوينی وارد می شود.

سهم خواهران ابوينی به جای $\frac{1}{4}$ ، $\frac{2}{3}$ است که به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۱۸- زوج و چند خواهر ابوينی و کلاله امی واحد: زوج $\frac{1}{4}$ ، چند خواهر ابوينی $\frac{2}{3}$ و خویش مادری $\frac{1}{6}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} + \frac{2}{3} + \frac{1}{6} = \frac{13}{12}$$

جمع فروض

نقص به خواهران ابوينی وارد شده و سهم آنها به جای $\frac{7}{12}$ ، $\frac{2}{3} = \frac{8}{12}$ می باشد.

حالت ۱۹- زوج، چند خواهر ابوينی و کلاله امی متعدد: زوج $\frac{1}{4}$ ، چند خواهر ابوينی $\frac{2}{3}$ و خویشان مادری $\frac{1}{6}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} + \frac{2}{3} + \frac{1}{6} = \frac{9}{6}$$

جمع فروض

نقص بر خواهران ابوينی وارد شده و سهم آنها به جای $\frac{1}{4}$ ، $\frac{2}{3}$ می باشد.

حالت ۲۰- زوجه، چند خواهر ابوینی و کلاله امی متعدد: زوجه $\frac{1}{4}$ ، چند خواهر ابوینی $\frac{2}{3}$ و خویشان مادری $\frac{1}{3}$ به فرض می برند.

$$\frac{1}{4} + \frac{2}{3} + \frac{1}{3} = \frac{15}{12} \text{ جمع فروض}$$

نقص بر خواهران ابوینی وارد شده و سهم آنها به جای $\frac{2}{3}$ ، $\frac{5}{12}$ می باشد.

حالت ۲۱- زوج (یا زوجه) و کلاله امی واحد (یا متعدد) و برادر و خواهر ابوینی: زوج $\frac{1}{4}$ (زوجه $\frac{1}{4}$) کلاله امی واحد $\frac{1}{4}$ (کلاله امی متعدد $\frac{1}{3}$) و مابقی به کلاله ابوینی به قرابت می رسد که به نسبت ۲ به ۱ بین ذکور و اناث تقسیم می شود.

حالت ۲۲- زوج (یا زوجه)، کلاله امی واحد (یا متعدد) و اجداد ابی و اخوه ابوینی: این حالت دقیقاً مانند حالت ۲۱ حل می شود.

حالت ۲۳- زوج و اجداد امی و کلاله امی: زوج $\frac{1}{4}$ و اجداد امی و کلاله امی $\frac{1}{3}$ به فرض برده و مابقی به اجداد امی و کلاله امی رد می شود که به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۲۴- زوجه و اجداد امی و کلاله امی: زوجه $\frac{1}{4}$ و اجداد امی و کلاله امی $\frac{2}{3}$ به فرض برده و مابقی به اجداد امی و کلاله امی رد می شود که به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۲۵- زوج و اجداد امی و کلاله امی و یک خواهر ابوینی: زوج و خواهر ابوینی هر یک $\frac{1}{4}$ و اجداد و کلاله امی $\frac{1}{3}$ همگی به فرض می برند که سهم کلاله امی به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

$$\frac{1}{4} + \frac{1}{4} + \frac{1}{3} = \frac{3+3+2}{6} = \frac{8}{6} \text{ جمع فروض}$$

ترکه کم می آید که نقص بر خواهر ابوینی وارد شده و سهم او به جای $\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{6}$ می شود.

حالت ۲۶- زوجه و اجداد امی و کلاله امی و یک خواهر ابوینی: زوجه $\frac{1}{4}$ ، خواهر ابوینی $\frac{1}{4}$ و اجداد و

کلاله امی $\frac{1}{4}$ همگی به فرض می برند که سهم کلاله امی به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

$$\text{جمع فروض} = \frac{1}{4} + \frac{1}{4} + \frac{1}{4} = \frac{3+3+3}{12} = \frac{9}{12}$$

ترکه کم می آید که نقص بر خواهر ابوینی وارد شده و سهم او به جای $\frac{1}{4} = \frac{3}{12}$ می شود.

حالت ۲۷- زوج و اجداد امی و کلاله امی و چند خواهر ابوینی: زوج $\frac{1}{2}$ ، اجداد امی و کلاله امی $\frac{1}{4}$ و

خواهران ابوینی $\frac{2}{3}$ همگی به فرض می برند و سهم کلاله امی به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

$$\text{جمع فروض} = \frac{1}{2} + \frac{1}{4} + \frac{2}{3} = \frac{3+2+4}{6} = \frac{9}{6}$$

ترکه کم می آید که نقص بر خواهران ابوینی وارد شده و سهم آنها به جای $\frac{2}{3} = \frac{4}{6}$ می شود.

حالت ۲۸- زوجه و اجداد امی و کلاله امی و چند خواهر ابوینی: زوجه $\frac{1}{4}$ ، اجداد امی و کلاله امی $\frac{1}{4}$

و خواهران ابوینی $\frac{2}{3}$ همگی به فرض می برند و سهم کلاله امی به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

$$\text{جمع فروض} = \frac{1}{4} + \frac{1}{4} + \frac{2}{3} = \frac{3+3+4}{12} = \frac{10}{12}$$

ترکه کم می آید که نقص بر خواهران ابوینی وارد شده و سهم آنها به جای $\frac{2}{3} = \frac{4}{6}$ می شود.

حالت ۲۹- زوج (یا زوجه) و اجداد امی و کلاله امی و اجداد ابی و اخوه ابوینی: زوج $\frac{1}{2}$ (زوجه $\frac{1}{4}$) و

اجداد و کلاله امی $\frac{1}{4}$ به فرض می برند که سهم اجداد امی و کلاله امی به تساوی بین آنها تقسیم می شود

و مابقی به خویشان پدری می رسد که ذکور دو برابر اناث می برند.

در هریک از حالات فوق اگر به جای برابر و خواهر، اولاد آنها باشد برای تعیین حصه آنها باید پدر و مادرشان را زنده فرض کرد و سپس سهم آنها را به قائم مقامی به فرزندان شان داد. پس از تعیین سهم والدین در تقسیم و تخصیص سهم فرزندان در درجه دوم از طبقه دوم قاعده ذکور دوبرابر اناث در خویشان پدری و قاعده ذکور معادل اناث در خویشان مادری جاری خواهد بود.

در هر یک از حالات فوق اگر واژه "ابوینی" را به "ابی" تبدیل کنیم، مسئله به همان شکل حل می شود.

طبقه سوم (اعمام و احوال به پایین)

کلیات

اعمام (عمو و عمه) و احوال (دایی و خاله) سه گونه اند: ابوینی، ابی و امی.
پیش از بیان میزان سهم الارث هریک از وراث، شایسته است در خصوص نحوه ارث بری آنان بحث شود.

از جمع مواد ۸۹۶، ۸۹۷ و ۸۹۸ ق.م.چنین بر می آید که خویشان طبقه سوم همگی به قرابت ارث می برند.

اما برخی از علمای حقوق مانند دکتر شهیدی بر این نظر هستند که خویشان منسوب به مادر (احوال) در طبقه سوم فرض بر و اقریای منسوب به پدر (اعمام) قرابت بر هستند. گرچه این نظر با ظاهر مواد فوق سازگار نمی باشد اما در تقویت آن می توان گفت که در صورت وجود زوج یا زوجه با طبقه سوم، احوال سهم خود را از اصل ترکیه (همواره $\frac{1}{3}$) می برند و مابقی به اعمام می رسد این مسئله ظهور در فرض بر بودن احوال و قرابت بر بودن اعمام دارد.

برای تعیین سهم هر یک از وراث مسئله را در چهار بخش:

I- اعمام

II- احوال

III- اختلاط اعمام و احوال

IV- زوج یا زوجه با اقریای طبقه سوم

بررسی می کنیم.

I- اعمام

اعمام سه نوع هستند: ابوینی، ابی و امی.

اعمام ابوینی حاجب حرمانی اعمام ابی هستند؛ ولی حاجب اعمام امی نیستند.

مسئله بسیار شبیه مسائل بخش دوم طبقه دوم (برادر و خواهر) می باشد. بدین شرح که در این حالت

اعمام امی در صورت وحدت سدس و در صورت تعدد ثلث از ترکه را برده و قاعده تساوی اناث و ذکور در آن مجری است، و مابقی

را خویشان ابوینی یا ابی می برند و قاعده ذکور دو برابر اناث در آن جاری است.

مسئله ایی که پیش می آید این است که اعمام امی فرض برند یا قرابت بر؟

از ماده ۸۹۸ ق.م.بر می آید که افراد مذکور قرابت بر هستند.

برای تبیین احکام این بخش حالات ذیل بیان می شود:

حالت ۱- وارث منحصر (یکی از اعمام): کل ترکه را می برد.

حالت ۲- چند عمو یا چند عمه ابوینی یا ابی یا امی: ترکه را به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

حالت ۳- یک یا چند عمو ابوینی با یک یا چند عمه ابوینی: همگی قرابت بر بوده و ذکور دو برابر اناث می برند.

حالت ۴- یک یا چند عمو ابی و چند عمه امی: ترکه بین آنها مطابق قاعده ذکور برابر اناث تقسیم می شود.

حالت ۵- یک یا چند عمو (یا عمه) ابوینی با یک عمو (یا عمه) امی: عمو (یا عمه) امی واحد $\frac{1}{6}$ به برده و مابقی به عمو یا عموها (یا عمه یا عمهها) می رسد که در صورت تعدد بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۶- یک یا چند عمو (یا عمه) ابوینی با چند عمو و عمه امی: چند عمو و عمه امی $\frac{1}{3}$ برده و بین خود به تساوی تقسیم می کنند و مابقی به عمو یا عموها (یا عمه یا عمهها) می رسد که در صورت تعدد بین آنها به تساوی تقسیم می شود.

حالت ۷- چند عمو و عمه ابوینی با یک عمو (یا عمه) امی: عمو (یا عمه) امی $\frac{1}{6}$ برده و مابقی به اعمام ابوینی می رسد که ذکور دو برابر اناث می برند.

حالت ۸- چند عمو و عمه ابوینی با چند عمو و عمه امی: اعمام امی $\frac{1}{3}$ به برده و بین ذکور و اناث به تساوی تقسیم می شود و مابقی به اعمام ابوینی می رسد که ذکور دو برابر اناث می برند.

II- احوال

احوال سه نوع هستند: ابوینی، ابی و امی.

اخوان ابوینی حاجب حرمانی اخوال ابی هستند؛ ولی حاجب اخوال امی نیستند.
اخوان چون ریشه مادری دارند در هر سه تیره (ابوینی، ابی و امی) قاعده ذکور برابر اناث جاری خواهد بود.

اگر اخوال امی واحد باشد $\frac{1}{6}$ برده و ما بقی به اخوال ابوینی یا ابی می رسد که بین خود به تساوی تقسیم می کنند و در صورتیکه اخوال امی متعدد باشند $\frac{1}{4}$ به قرابت برده و ما بقی به اخوال ابوینی یا ابی می رسد که در هر دو تیره ذکور معادل اناث می برند.

برای تبیین مسئله حالت گوناگون اخوال بیان می شود:

حالت ۱- وارث منحصر (یکی از اخوال): کل ترکه را می برد.

حالت ۲- چند دایی یا خاله ابوینی، یا ابی یا امی: کل ترکه را به قرابت برده و بین خود به تساوی تقسیم می کنند.

حالت ۳- یک یا چند دایی با یک یا چند خاله همگی یا ابوینی یا ابی یا امی: ترکه را به تساوی بین هم تقسیم می کنند.

حالت ۴- یک یا چند دایی ابوینی با یک یا چند خاله ابوینی و یک دایی (یا خاله) امی: اخوال امی واحد $\frac{1}{6}$ برده و مابقی به اخوال ابوینی می رسد که بین هم به تساوی تقسیم می کنند.

حالت ۵- یک یا چند دایی ابوینی با یک یا چند خاله ابوینی و چند دایی و خاله امی: اخوال امی متعدد $\frac{1}{4}$ برده و مابقی به اخوال ابوینی می رسد که بین هم به تساوی تقسیم می کنند.

III- اختلاط اعمام و اخوال

اعمام ابوینی حاجب اخوال ابی نیستند.

اخوان ابوینی حاجب اعمام ابی نیستند.

در این حالت $\frac{1}{4}$ ترکه به فرض به اخوال و $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به اعمام می رسد.

سپس اخوال سهم خود را بدین ترتیب تقسیم می کنند:

اخوان امی در صورت وحدت $\frac{1}{6}$ از $\frac{1}{4}$ کل و در صورت تعدد $\frac{1}{4}$ از $\frac{1}{4}$ کل را برده و ما بقی $(\frac{5}{6})$ از $\frac{1}{4}$

کل یا $\frac{2}{3}$ از $\frac{1}{4}$ کل) به اخوال ابوینی می رسد و در هر دو تیره قاعده ذکور برابر اناث جاری خواهد بود.

اعمام هم حصه خود را بدین ترتیب بین خود تقسیم می کنند:

اعمام امی در صورت وحدت $\frac{1}{6}$ از $\frac{2}{3}$ کل و در صورت تعدد $\frac{1}{3}$ از $\frac{2}{3}$ کل را برده و بین ذکور و اناث به تساوی تقسیم می شود و مابقی ($\frac{5}{6}$ از $\frac{2}{3}$ کل یا $\frac{1}{3}$ از $\frac{2}{3}$ کل) به اعمام ابوینی می رسد که ذکور دو برابر اناث می برند.

در صورتیکه احوال منحصر به یک نفر و اعمام نیز منحصر به یک نفر باشند فارغ از ابوینی یا امی بودن آنها $\frac{1}{3}$ به خاله یا دایی و $\frac{2}{3}$ به عمو یا عمه می رسد.

حال به بیان حالات گوناگون این بخش می پردازیم.

حالت ۱- یک عمو یا یک عمه، ابوینی یا امی یا یک دایی یا یک خاله ابوینی یا امی: $\frac{1}{3}$ به فرض به دایی یا خاله می رسد و $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به عمو یا عمه.

حالت ۲- یک یا چند عمو (یا یک یا چند عمه) ابوینی یا امی با یک یا چند دایی و خاله ابوینی و یک خاله (یا دایی) امی: $\frac{1}{3}$ به فرض به احوال و $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به اعمام می رسد.

تقسیم سهم احوال بین خودشان:

چون احوال امی واحد است $\frac{1}{6}$ از $\frac{1}{3}$ را می برد: $\frac{1}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{18}$

و $\frac{5}{6}$ باقیمانده از $\frac{1}{3}$ به احوال ابوینی می رسد: $\frac{5}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{5}{18}$ که بین آنها به تساوی تقسیم می شود (قاعده ذکور برابر اناث)

$\frac{2}{3}$ باقیمانده از کل به عموها (یا عمه ها) می رسد که چون همگی یا مذکر هستند یا مؤنث به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

حالت ۳- یک یا چند عمو (یا یک یا چند عمه) ابوینی یا امی با یک خاله یا دایی امی: $\frac{1}{3}$ به فرض به

احوال و $\frac{2}{3}$ باقی مانده به قرابت به اعمام می رسد. عموها یا (عمه ها) چون همگی یا مذکر هستند یا

مؤنث، $\frac{2}{3}$ به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

دقت شود که $\frac{1}{6}$ احوال (یا اعمام) امی وقتی موضوعیت دارد که احوال (یا اعمام) امی در کنار احوال (یا اعمام) ابوینی یا ابی بیاید.

حالت ۴ - یک یا چند عمو (یا یک یا چند عمه) ابوینی یا امی با یک یا چند دایی و خاله ابوینی و چند دایی و خاله امی: $\frac{1}{3}$ به فرض به احوال و باقیمانده به قرابت $\frac{2}{3}$ به اعمام می رسد.

تقسیم سهم احوال بین خودشان:

چون احوال امی متعدد هستند $\frac{1}{3}$ از $\frac{1}{3}$ را می برند: $\frac{1}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{9}$ که بین ذکور و اناث به تساوی تقسیم می شود.

$\frac{2}{3}$ از $\frac{1}{3}$ به احوال ابوینی می رسد: $\frac{2}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{2}{9}$ که بین ذکور و اناث به تساوی تقسیم می شود.

$\frac{2}{3}$ باقیمانده از کل به عموها (یا عمه ها) می رسد که چون همگی یا مذکر هستند یا مونث به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

حالت ۵ - چند عمو و عمه ابوینی با چند دایی و خاله ابوینی و یک دایی (یا خاله) امی:

به فرض $\frac{1}{3}$ به احوال و $\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به اعمام می رسد.

تقسیم سهم احوال بین خودشان:

چون احوال امی واحد است $\frac{1}{6}$ از $\frac{1}{3}$ را می برد: $\frac{1}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{18}$

و $\frac{5}{6}$ باقیمانده از $\frac{1}{3}$ به احوال ابوینی می رسد: $\frac{5}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{5}{18}$ که بین آنها به تساوی تقسیم می شود (قاعده ذکور برابر اناث)

$\frac{2}{3}$ باقیمانده از کل به اعمام ابوینی می رسد که در تقسیم بین آنها قاعده ذکور دوبرابر اناث جاری خواهد بود.

حالت ۶ - یک یا چند عمو (یا یک یا چند عمه) ابوینی یا امی با چند دایی و خاله امی:

$\frac{1}{3}$ به فرض به احوال می رسد که بین ذکور و اناث به تساوی تقسیم می شود.

$\frac{2}{3}$ باقیمانده به قرابت به عموها (یا عمه ها) می رسد که چون همگی یا مذکر هستند یا مؤنث به تساوی بین آنها تقسیم می شود.

حالت ۷- چند عمو و عمه امی با یک دایی (یا خاله) امی: $\frac{1}{3}$ به احوال و $\frac{2}{3}$ باقیمانده به اعمام می رسد که اعمام بین خود به تساوی تقسیم می کنند.

حالت ۸- چند عمو و عمه امی با چند دایی و خاله ابوینی و یک دایی (یا خاله) امی: $\frac{1}{3}$ به احوال میرسد. $\frac{1}{6}$ از این $\frac{1}{3}$ سهم دایی (یا خاله) امی و $\frac{5}{6}$ از این $\frac{1}{3}$ سهم احوال ابوینی است که به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

$\frac{2}{3}$ مانده از کل سهم اعمام است که چون امی هستند به تساوی بین خود تقسیم می کنند.

$$\text{دایی (یا خاله) امی واحد} : \frac{1}{3} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{18}$$

$$\text{احوال ابوینی} : \frac{1}{3} \times \frac{5}{6} = \frac{5}{18}$$

$$\text{اعمام امی} : \frac{2}{3} = \frac{12}{18}$$

۹- اعمام و احوال ابوینی و یک عمو (یا عمه) امی و یک دایی (یا خاله) امی:

$\frac{1}{3}$ به فرض به احوال و باقیمانده به قرابت $\frac{2}{3}$ به اعمام می رسد.

تقسیم سهم احوال:

چون دایی (یا خاله) امی واحد است سهم او $\frac{1}{6}$ از سهم احوال یعنی $\frac{1}{6}$ از $\frac{1}{3}$ است.

$$\text{سهم دایی (یا خاله) امی} : \frac{1}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{18}$$

آنچه از $\frac{1}{3}$ می ماند، یعنی $\frac{5}{18}$ سهم احوال ابوینی است که در تقسیم بین آنها قاعده ذکور معادل اناث

مجری خواهد بود.

تقسیم سهم اعمام:

چون عمو (یا عمه) امی واحد است سهم او $\frac{1}{6}$ از سهم اعمام یعنی $\frac{1}{6}$ از $\frac{2}{3}$ است.

$$\text{سهم عمو (عمه) امی: } \frac{1}{6} \times \frac{2}{3} = \frac{2}{18} = \frac{1}{9}$$

آنچه از $\frac{2}{3}$ می ماند یعنی $\left(\frac{10}{18} = \frac{5}{9}\right)$ به اعمام ابوینی می رسد که در تقسیم بین آنها قاعده ذکور دوبرابر

اناث مجری خواهد بود.

حالت ۱۰- چند عمو و عمه ابوینی با چند عمو و عمه امی و چند دایی و خاله ابوینی با چند دایی و خاله امی:

$\frac{1}{3}$ به فرض به احوال و باقیمانده به قرابت $\frac{2}{3}$ به اعمام می رسد.

تقسیم سهم احوال:

چون احوال امی متعدد هستند سهم آنها $\frac{1}{3}$ از $\frac{1}{3}$ یعنی $\frac{1}{9}$ است.

باقی $\frac{1}{3}$ یعنی $\frac{2}{9}$ به احوال ابوینی می رسد.

در تقسیم بین احوال از هر تیره که باشند، قاعده ذکور معادل اناث مجری خواهد بود.
تقسیم سهم اعمام:

چون اعمام امی متعدد هستند سهم آنها $\frac{1}{3}$ از $\frac{2}{3}$ یعنی $\frac{2}{9}$ از $\frac{2}{3}$ می باشد که در تقسیم بین آنها

قاعده ذکور معادل اناث مجری خواهد بود.

آنچه از $\frac{2}{3}$ می ماند یعنی $\frac{4}{9}$ به اعمام ابوینی می رسد که در تقسیم بین آنها ذکور دوبرابر اناث خواهند برد.

حالت ۱۱- یک خاله امی و یک عمو ابوینی:

$\frac{1}{3}$ سهم خاله به فرض و $\frac{2}{3}$ سهم عمو به قرابت خواهد بود.

دقت شود $\frac{1}{6}$ سهم احوال امی وقتی موضوعیت دارد که احوال امی در کنار احوال ابوینی یا ابی بیایند.

یعنی ابتدا $\frac{1}{3}$ سهم احوال و $\frac{2}{3}$ سهم اعمام را کنار می گذاریم سپس اگر بین آنها امی واحد یا متعدد بود $\frac{1}{6}$ یا $\frac{1}{3}$ از سهم کلی شان را به آنها اختصاص می دهیم.

مسائل فوق در حالت کلی حل شده اند؛ برای درک بهتر مسئله یک مثال جزئی می زنیم:
متوفی دارای یک دایی امی، یک دایی ابی و یک خاله ابی، یک عمو امی، یک عمه امی و یک عمو ابوینی و یک عمه ابوینی می باشد.

$\frac{1}{3}$ به فرض به احوال و باقیمانده به قرابت $\frac{2}{3}$ به اعمام می رسد.

تقسیم سهم احوال:

چون دایی امی واحد است $\frac{1}{6}$ از $\frac{1}{3}$ احوال سهم اوست.

$$\text{سهم دایی امی} = \frac{1}{6} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{18}$$

مابقی $\frac{1}{3}$ یعنی $\frac{5}{18}$ سهم احوال ابی است و چون احوال ابی دو نفر هستند و قاعده ذکور معادل اناث

جاری است $\frac{5}{18}$ را دو قسمت کرده و به هر کدام از دایی و خاله ابی $\frac{5}{36}$ می دهیم.

تقسیم سهم اعمام:

اعمام امی متعدد هستند پس $\frac{1}{3}$ از $\frac{2}{3}$ یعنی $\left(\frac{1}{3} \times \frac{2}{3} = \frac{2}{9}\right)$ را برده و چون امی هستند ذکور معادل اناث می

برند؛ بنابراین سهم هر یک از عمو و عمه امی $\frac{1}{9} = \frac{2}{18}$ خواهد بود.

مابقی $\frac{2}{3}$ یعنی $\frac{4}{9}$ را اعمام ابوینی می برند در تقسیم بین آنها سهم ذکور دو برابر اناث خواهد بود.

بدین ترتیب سهم عمو ابوینی $\frac{8}{27}$ و سهم عمه ابوینی $\frac{4}{27}$ خواهد بود.

اولاد اعمام و احوال

اگر در طبقه سوم از درجه یک کسی نباشد نوبت به درجه دو یعنی فرزندان آنها می رسد.

در تعیین سهم الارث این گروه باید به دو نکته اساسی توجه کرد:

نکته ۱- چون فرزندان اعمام به قائم مقامی از والدین شان ارث می برند، برای تعیین سهم آنها باید پدر و مادرشان را زنده فرض کنیم. در این مورد توجه به این نکته بسیار مهم است که تیره های همگون از یک

پدر یا از یک مادر هستند یا خیر مثلاً دو پسر دایی امی از یک دایی امی هستند یا از دو دایی امی؟ اگر از یک دایی امی باشند و احوال امی منحصر به آن دایی باشد سهم او $\frac{1}{6}$ از سهم احوال است ولی اگر از دو دایی باشند سهم دو دایی $\frac{1}{6}$ سهم احوال خواهد بود. شبیه به این وضعیت در خصوص پسر خاله ها یا پسر اعمام امی نیز متصور است.

نکته ۲- پس از تعیین حصه والدین برای تعیین و تخصیص سهم فرزندان، فرزندان از قواعد والدین شان تبعیت خواهند کرد یعنی آنها که پدر یا مادر شان از تیره ایی بوده اند که ذکور معادل اناث می برد؛ فرزندان نیز حصه پدر یا مادر شان را به تساوی بین خود تقسیم خواهند کرد و اگر پدر یا مادر شان از تیره ایی باشد که ذکور دوبرابر اناث می برند فرزندان نیز از این قاعده تبعیت خواهند کرد. بنابراین فرزندان احوال و فرزندان اعمام امی حصه والدین شان را به تساوی و فرزندان اعمام ابوینی یا ابی حصه والدین شان را با توجه به قاعده ذکور دوبرابر اناث بین خود تقسیم خواهند کرد. برای روشن شدن موضوع مثالی می زنیم:

مثال: وراثت متوفی عبارتند از:

- دو پسر از یک دایی امی
 - یک پسر و یک دختر از یک دایی ابوینی
 - یک پسر از خاله ابوینی
 - یک پسر و یک دختر از یک عمو امی
 - یک پسر و یک دختر از یک عمه امی
 - یک پسر و یک دختر از یک عمو ابوینی
 - یک پسر و یک دختر از یک عمه ابوینی
- مسئله تبدیل می شود به:

یک دایی امی، یک دایی ابوینی، یک خاله ابوینی، یک عمو و یک عمه امی، یک عمو و یک عمه ابوینی این مسئله در صفحه قبل حل شده است. حال برای تعیین سهم فرزندان نکته ۲ را رعایت می کنیم، یعنی همه فرزندان افراد مذکور جز فرزندان عمو و عمه ابوینی قدرالسهم والدین شان را به تساوی بین خود تقسیم می کنند و در تخصیص سهم اولاد عمو و عمه ابوینی قاعده ذکور دوبرابر اناث جاری خواهد بود.

$\frac{1}{36}$: سهم هر یک از پسر دایی های امی

$\frac{5}{72}$: سهم هریک از پسر و دختر دایی ابوینی

سهم پسر خاله ابوینی: $\frac{5}{36}$

سهم هر یک از اولاد اعمام امی: $\frac{1}{18}$

سهم پسر عموی ابوینی: $\frac{16}{81}$

سهم هر یک از دختر عموی ابوینی و پسر عمه ابوینی: $\frac{8}{81}$

سهم دختر عمه ابوینی: $\frac{4}{81}$

IV- زوجین با اقربای طبقه سوم

اگر زوج یا زوجة با طبقه سوم بیاید، ابتدا سهم زوج یا زوجة که به ترتیب $\frac{1}{4}$ یا $\frac{1}{4}$ از ترکه است را می دهیم.

سپس $\frac{1}{4}$ از کل ترکه را به فرض به احوال می دهیم که مطابق قواعد گفته شده بین آنها تقسیم خواهد شد.

در تخصیص $\frac{1}{4}$ از کل ترکه به احوال به نظر می رسد آنها فرض بر باشند اما از جمع مواد ۸۹۶، ۸۹۷ و ۸۹۸ ق.م چنین بر می آید که احوال قرابت بر هستند؛ در این صورت شایسته بود پس از کسر سهم زوج یا زوجة، احوال $\frac{1}{4}$ از مانده را ببرند نه $\frac{1}{4}$ از کل را.

ما بقی ترکه به قرابت به اعمام می رسد که مطابق قواعد مذکور بین آنها تقسیم خواهد شد. بدین ترتیب قسمت اخیر ماده ۹۳۸ ق.م ایراد دارد چرا که اگر در مسئله ای قرابت بر وجود داشته باشد نقص متصور نیست^۱.

نکته

در صورت نبودن اعمام و احوال متوفی و اولاد آنها، اعمام و احوال والدین متوفی و در صورت نبودن آنها، اولاد شان ارث می برند.

بدین ترتیب که $\frac{1}{4}$ از کل ترکه را به اعمام و احوال مادر متوفی و $\frac{2}{3}$ از کل ترکه را به اعمام و احوال

۱- قسمت اخیر ماده ۹۰۹ ق.م نیز متصور نیست چون چیزی از ترکه باقی نمی ماند که رد شود.

پدر متوفی می دهیم. حال هر گروه قدر سهم خود را واحد فرض کرده و مطابق قواعد مذکور آن را بین خود تقسیم می کنند.

بدین ترتیب:

- اعمام و احوال مادر متوفی:

$\frac{1}{3}$ از کل را واحد فرض می کنند. $\frac{1}{3}$ از آن ($\frac{1}{9}$ از کل) سهم احوال و $\frac{2}{3}$ سهم اعمام است.

در هر تیره خویش امی $\frac{1}{6}$ در صورت وحدت و $\frac{1}{3}$ در صورت تعدد می برد و مابقی به خویش ابوینی یا ابی می رسد.

در تمام تیره های فوق قاعده ذکور معادل اناث جاری است.

- اعمام و احوال پدر متوفی:

$\frac{2}{3}$ از کل را واحد فرض می کنند. $\frac{1}{3}$ از آن ($\frac{2}{9}$ از کل) سهم احوال و $\frac{1}{3}$ سهم اعمام است.

در هر تیره خویش امی $\frac{1}{6}$ در صورت وحدت و $\frac{1}{3}$ در صورت تعدد می برد و مابقی به خویش ابوینی یا ابی می رسد.

در بین اعمام ابوینی پدر متوفی قاعده ذکور دوبرابر اناث و در بقیه تیره ها قاعده ذکور معادل اناث جاری خواهد بود.

"تقسیم مذکور مطابق با نظر مشهور فقهاست ولی به نظر بعضی دیگر از ایشان، احوال ابوینی خواه

احوال پدر یا مادر، $\frac{1}{3}$ ترکه و اعمام پدر و مادر باقی ترکه را می برند که این نظر مخالف با قاعده ارث بردن نصیب خویشاوند واسطه (هر کس نصیب کسی را می برد که به واسطه او به متوفی متصل می باشد) است^۱.

بعنوان مثال فرض کنید وراثت متوفی عبارتند از:

یک خاله امی، یک خاله و یک دایی ابوینی، یک عمو و یک عمه امی، یک عمو و یک عمه ابوینی مادر متوفی و یک خاله و یک دایی امی، یک دایی ابوینی، یک عمو و یک عمه امی، یک عمو و یک عمه ابوینی پدر

متوفی که در این فرض $\frac{1}{3}$ به بستگان مادر متوفی و $\frac{2}{3}$ به بستگان پدر متوفی می رسد.

۱- شهیدی، مهدی، همان، صص ۱۸۴ و ۱۸۵

تقسیم سهم بستگان مادر متوفی:

$$\text{سهم احوال: } \frac{1}{3} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{9}$$

$$\text{سهم اعمام: } \frac{2}{9}$$

تقسیم سهم احوال:

$$\text{خاله امی واحد: } \frac{1}{6} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{54}$$

$$\text{سهم احوال ابوینی: } \frac{5}{54}$$

$$\text{سهم هر یک از احوال ابوینی: } \frac{5}{108}$$

تقسیم سهم اعمام:

$$\text{اعمام امی متعدد: } \frac{1}{3} \times \frac{2}{9} = \frac{2}{27}$$

$$\text{سهم هر یک از اعمام امی: } \frac{1}{27}$$

تقسیم سهم بستگان پدر متوفی:

$$\text{سهم احوال: } \frac{1}{3} \times \frac{2}{3} = \frac{2}{9}$$

$$\text{سهم اعمام: } \frac{4}{9}$$

تقسیم سهم احوال:

$$\text{احوال امی متعدد: } \frac{1}{3} \times \frac{2}{9} = \frac{2}{27}$$

$$\text{سهم هر یک از احوال امی: } \frac{1}{27}$$

$$\text{سهم دایی ابوینی: } \frac{4}{27}$$

تقسیم سهم اعمام:

$$\frac{1}{3} \times \frac{4}{9} = \frac{4}{27} : \text{اعمام امی متعدد}$$

$$\frac{2}{27} : \text{مهم هر یک از اعمام امی}$$

تا به اینجا در همه تیره‌ها قاعده ذکور معادل اناث جاری بود.

$$\frac{8}{9} : \text{اعمام ابوینی}$$

$$\frac{16}{81} : \text{سهم عمو ابوینی}$$

$$\frac{8}{81} : \text{سهم عمه ابوینی}$$

در مورد اخیر قاعده ذکور بود بر این اناث رعایت شده است.

بحث ماده ۹۳۶ ق.م.

در صفحه ۵ در قاعده دوم گفته شد در هر دسته دووجه اقرب مانع درجه ابعد است. این قاعده یک استثنا دارد که در ماده ۹۳۶ ق.م آمده است. در این ماده بیان شده در صورت انحصار وراثت به عموی ابی و پسر عموی ابوینی، درجه ۲، درجه ۱ را از وراثت محروم میکند.

اگر پسر عموی ابوینی با اعمام متعدد ابی همراه باشد، پسر عمو ارث نمی‌برد.

در صورت وجود زوج یا زوجة آیا باز حکم ماده مجری است یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا انحصار نسبی است یا مطلق خویشاوندان را در بر می‌گیرد؟

در هریک از حالات فوق اگر واژه "ابوینی" را به "ابی" تبدیل کنیم باز مسئله به همان صورت حل می‌شود.

۱- حکم این ماده از فقه گرفته شده است. و مربوط به این قضیه بوده است که در صورت فوت پیامبر (ص)، عباس، عموی ابی ایشان ارث نبرده و ملترک به امام علی (ع) که پسر عموی ابوینی پیامبر بوده برسد چرا که ایشان به پیامبر نزدیکتر بوده اند.